

مقام زن در

خانواده از دیدگاه اسلام

مشخصات کتاب:

نام کتاب: مقام زن در خانواده از دیدگاه اسلام

مؤلف: مولوی عبدالعظیم جهیر

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه.

سال چاپ: تابستان ۱۳۹۸ هـ.ش.

ناشر: ریاست تدقیق و مطالعات علوم اسلامی.

مطبعه: شرکت سریع گرافیکس.

ایمیل آدرس: islamicresearch@mohia.gov.af

آدرس: شهرنو کابل افغانستان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اهداء

اهدأ به زنان و مردان مسلمان و متعهدی که هرآن انتظار دارند تا پیامهای انسان ساز اسلام عزیز را به گوش جان بشنوند و می خواهند تا از آوای روح نواز آن روحیه بگیرند و مضمون اخلاق، عفت، آبرو، طهارت و تزکیه را از آموزه های دین اسلام گرفته و معیارعمل قرار دهند.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
تقریظ.....	۱
پیشگفتار.....	۴
پیش درآمد بحث.....	۷

بخش اول

زن به عنوان مادر

احسان به والدین.....	۱۱
اولویت حق مادر.....	۱۶
شرح تکلیف های ویژه مادر.....	۱۹
جنت زیرپای مادر است	۲۰
خدمت مادر باعث عفو گناه بزرگ.....	۲۲
منع از نافرمانی مادر.....	۲۳

بخش دوم

زن به عنوان همسر

خلقت همگام مرد و زن.....	۲۷
--------------------------	----

۲۸.....	وضعیت همسران درقوانین و تمدنهای قبل ازاسلام.....
۳۳.....	خانم جفت شوهر است.....
۳۳.....	خانم ها مرجع سکون برای شوهران
۳۴.....	ارزش و اهمیت همسر صالحه.....
۳۷.....	خانم، مُعین ایمان و دیانت شوهر است.....
۳۸.....	همسرنیک نشانه سعادت است.....
۳۹.....	همسر، صاحب نظر و مشاور است.....
۴۲.....	حقوق زن بالای شوهر.....
۵۰.....	زن مطلوب و مرد طالب آن است.....
۵۰.....	معاشرت نیک باهمسر.....
۶۳.....	تنبیه بدنی زنان.....
۷۹.....	خانواده و همسر.....
۸۲.....	ذکرهمسران درجنت.....

بخش سوم

منزلت دختران از نظر اسلام

۸۸.....	وضعیت دختران درقوانین و تمدنهای قبل ازاسلام.....
۸۹.....	برهه ای که دختران حق زندگی نداشتند.....
۹۱.....	نهی ازقتل فرزندان.....
۹۲.....	دختر وپسر هر دو موهبت الهی اند.....

تأمین زندگی دختران ونجات ازآتش.....	۹۳
پاداش خدمت به دختران و خواهران	۹۵
فضیلت ویژه تأمین مخارج زندگی و احسان با دختران.....	۹۷
فهرست مراجع ومأخذ.....	۱۰۱

بسم الله الرحمن الرحيم

تقریظ

سپاس بی پایان خدای بزرگی را سزااست که پدید آورندهٔ جهان و یار و یاور
ستم دیدگان است، فرمانروای بی همتا و دانای توانا که مواهب بیشماری را
توأم با هدایت به ما ارزانی نمود.

درود بر ناجی بشریت، حضرت محمد مصطفی ﷺ و درود بر خاندان عزیز و
یاران پاک نهادش که همه تاب و توان خود ها را در بستر اخلاص بر فرا
خوان دعوت اسلامی نثار نمودند.

راهبرد به سوی سعادت همیشگی، وصال به آستان محاسن دنیا و عقبی
مرهون درک و عمل مخلصانه به آموزه های نجات بخش اسلام است.

بلی یگانه منبعی فیاض و فروزانی که به یقین و اطمینان می تواند جامعه
مارا از ورطه و تهلکه های فرهنگهای وارداتی و آسیب پذیری های ناشی
از پالیسی های مادی گرایان زمان برهاند تنها باور و عمل به احکام و
ارشادات دین مبین اسلام است که در پرتو آن حقوق، وجایب و مرتبت
هریکی از دوستان و اقارب واضح و تشخیص می شود. انسان مسلمان
بایست مکلفیت ها و حقوق خود و از دیگران را بشناسد و جهت در
نظر داشت و رعایت مکانت و جایگاه وابستگان و نزدیکان خویش حد اکثر
توجه و اهتمام را در حدود مقدور و توان مبذول بدارد.

رسالهٔ هذا اثر محترم مولوی عبدالعظیم جهیر تحت عنوان (مقام زن در خانواده از دیدگاه اسلام) که در سه بخش زن به عنوان مادر، زن به عنوان همسر و منزلت دختران و خواهران از نظر اسلام بحث دارد یک اثر نفیس و ناب است مباحث و استدلال آن بسی غنامند و عالی بوده قراریکه محتویات آن را مطالعه نمودم واقعا تعمیل مفاد این اثر که رابطه ناگسستگی با عقاید تابناک و باورهای راستین مردم مسلمان دارد در رشد نشاط و انگیزه آفرینی های بیشتر آحاد جامعهٔ اسلامی مبنی بر قدر شناسی و تأمین روابط مشروع نقش فراگیر و قابل ملاحظه داشته و خوانش و اندوختن آن برای هریکی از خواهران و برادران مسلمان به هدف انکشاف خانواده های خوشبخت ومهذب و ظهور یک جامعه اخلاق محور و الگو یک امر حساس و کلیدی می باشد.

تألیف و تکثیر همچو آثار ارزنده که مبادی احسان پروری را با نزدیکترین زنها از دیدگاه اسلام تعریف می نماید مبین عنایت و توجه ویژهٔ اسلام به مادران و همسوان و دختران و خواهران است که در هیچ آئین و دستوری تا این سطح راجع به حسن نظر و مراعات حقوق ایشان اصول وضوابطی وضع نگردیده است و هیچگاهی مکافات و پاداشی را که اسلام عزیز در خصوص احسان و معاشرت و قبول تکلیف در برابر صنوف فوق از زنان وعده داده است در قانون و جریان های وضعی دیگری دریافت شده نمی تواند. ضرور و صواب می پندارم تا هریکی از برادران و خواهران مسلمان ما، مطالب و محتویات این اثر را بار بار به خوانش بگیرند و به مقتضای آن

عمل نمایند تا از یک جانب محاسن اخلاقی و میزان رعایت حقوق، کانون های خانواده ها را با حرارت، مأنوس و دلپذیر سازد و از لحاظ دیگر ثواب و پاداش اخروی را که بی بدیل و ابدی است مستحق شوند.

مولوی عبدالحکیم منیب

وزیر ارشاد، حج و اوقاف

حوت ۱۳۸۷

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار

حمد و سپاس بیکران خاص است به خدای رحمان و هستی بخش و توانا که زندگی در آستان اسلام را به ما لطف فرمود. درود بر ناجی بشریت، حضرت محمد مصطفی ﷺ که دین رهائی بخش اسلام را به ارمان آورد و درود بر خاندان ارجمند و یاران پاکیزه سرشت او که همه امکانات خویش را در پای گسترش آئین اسلام می‌ذلول نمودند.

با توجه به اعتقادات و باورهای اسلامی جامعه ما، هر کتاب، رساله و مضمونی که شرح و بسط و استنباطی را از مکتب انسان ساز اسلام ارائه بدارد از طرف مردم مسلمان به شکل بی سابقه و شگفت انگیزی استقبال و تقدیر می گردد، زیرا تار و پود حیات و ممات ایشان با این محتویات گره خورده و مباحث اسلامی را به شرب و انتظار و سیر فطرت خویش موافق و برابر می یابند.

دین حیات بخش اسلام من حیث آخرین دین آسمانی روابط و مراتب برادران و خواهران مسلمان را در میان شان بگونه شایسته ای تنظیم نموده که رعایت آن نمایانگر حسن اخلاق و کمال اسلامی و انسانی بوده و فرخندگی و خوشبختی خانواده را به نمایش می گذارد.

البته تحقق این مأمول مستلزم فراگرفتن تعالیم والای اسلامی بوده تألیف و تکثیر آثار اسلامی در همه ابواب و من جمله شناخت مسئولیت ها و ارزشها راجع به رعایت جایگاه و پیشبرد اسالیب احسان مدارانه با زنان از کیفیت خاص و قابل وصفی برخوردار است.

رساله ای را که همین اکنون بدست دارید اثر محترم مولوی عبدالعظیم جهیر یکی از نویسندگان فرهیخته کشور است که بحث های جزیل و سلیس و ضروری ای را در پهلوی هم قرار داده و به طرز ویژه و جالبی آن ها را با هم مرتبط و تألیف نموده است.

بحث های که این رساله به آن اشمال دارد از نخستین تعاملی است که انسان خواه مخواه با آن مواجه می شود فلهمذا لازم است تا گونه های مقبول و نیک و شیوه های ارزشمند را درین باب بداند.

مبتنی برین پندار مطالعه، تعمق و تحقق مفاد اثر مورد بحث ابعاد مکمل شخصیت اسلامی تلقی می گردد و مزایا و اهمیت آن در ارتقای مکونات شخصیتی هر یکی از اعضای جامعه بسیار محسوس و ثمر بخش خواهد بود. یقین دارم این رساله وزین در قطار تألیفات معاصر کشور ما جایگاه موزونی را احراز و مایه مسرت شایقین علوم و اخلاق اسلامی واقع خواهد شد.

از خداوند کریم متواضعانه طلب دارم تا به نویسنده رسالهٔ هذا صحت وعافیت، ظرفیت و درخشش مستمر در عرصهٔ خدمات مشابه لطف فرماید و برای همه ما توفیق به صالحات و حسن خواتیم را نصیب فرماید.

و ما ذلک علی الله بعزیز

محمد شریف رباطی درانی

رئیس تدقیق و مطالعات علوم اسلامی

تابستان ۱۳۹۷

پیش درآمد بحث

حمد و سپاس، ثناء و ستایش خدائی را سزااست که همهٔ انسانها را از نفس واحدهٔ آفرید و با تنزیل کتب و ارسال پیامبران، جامعه بشری را براه شایسته و سزاوار رهنمائی فرمود و به انسان مسلمان ظرفیت و هدایت موهبت نمود تا مراتب همگان را بشناسد و مقدار و احترام هریکی را در پرتو اسلام رعایت نماید. درود مستدام و بی پایان به محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم، آخرین پیامبر که رسالتش فراگیر و جهان شمول است و در روشنی دین او، انسان توانست خود و دیگران را تمیز و تشخیص دهد، به خطاء گام ننهد و فرجام کارش سعادت مؤید باشد، و درود به اصحاب پاکبازش که بمثلثه ستاره های درخشان کارکرد های شان راهکارهای موفقیت قاطبه بشری و حماسه های آنها برای همیشه درخشش تاریخ انسانی خواهد بود.

در همه جا این آهنگ طنین انداز است که زنان نصف پیکر جامعه را تشکیل می دهند، ممکن این سخن به آمار و ارقام تقریبی استناد خود را داشته باشد لکن باید اذعان داشت که از نظر تأثیر بالای شوهر و فرزندان، کیفیت وجودی آنها بر نصف بودن نفوس هم می چربد و مسایل مربوط به زنان درخور اهتمام بیشتر است اگر خانواده را بمنزلهٔ یک کشور کوچک تحت معاینه و بررسی قرار دهیم کمترین تأمل به ما می رساند که در صورت بروز نزاکت فامیلی میان همسر و شوهر، به طور اغلب همه دختران و پسران

جانب مادر را اختیاری می کنند و بسا اوقات پدر را در تنگنا قرار می دهند و همچنان هرگاه فرزندان اعم از دختر و پسر طرح و پیشنهاد معقولی هم داشته باشند آن را با تأیید مادر صلابت بخشیده و به و سیله مادر خود به پدر تقدیم می دارند و همسر ری که در خانه حیثیت معاون و مشاور را دارد هم بالای شوهر و هم بالای فرزندان خود اعمال نفوذ کرده می تواند.

قدمت مسایل مربوط به زنان به پیشینه خلقت و موجودیت انسان برمی گردد و احکامی که از سرنوشت و جایگاه واقعی و انسانی زنان بحث می کند زاده تحولات و تطورات تاریخی یا فرآیندهای جنبشهای بشری و یا نتیجه تفاهم مجامع جهانی و اقتضای کنوانسیونهای بین المللی نبوده بلکه این صلاحیت و ظرفیت را تنها دین اسلام دارد که خالق مرد و زن، آن را روان کرده است.

نوع انسان غیر از مراجعه به همین دین، مخرجی از بن بست ها و رسم مقابله با چالشها و راه صواب دیگری هرگز نخواهد داشت هم مرد و هم زن، صرف در تابلوی اسلام می توانند خود را بشناسند و روی مبدأ و مسیر و مصیر خود دقت و توجه کنند زیرا هر نظریه راجع به هر امر و برهر محوری که باشد در صورت مخالفت آن با ارزشهای اسلامی نه تنها که قابلیت تعمیل ندارد، قابل نگرانی نیز است.

هیاهوی و هنگامه حقوق زنان جهان را زیر پوشش گرفته و از هر آدرس و تحت هر عنوانی درین باب چیزهایی پخش و نشر می شود و دشمنان تاریخی اسلام ازین وضع سوء استفاده می نمایند.

نازل بودن سطح فرهنگی عامه، کم آگاهی و ضعف معلومات مردم و قربانی شدن های زنان به صورت دراماتیک زیرنام رسم و رواجهای ناپسند در تباری با تلون و مرصع کاریهای مغرضین آشفتگی ای را بارآورده که مقابله مؤفق با آن، تنها ازراه پخش فرهنگ و معارف علیای اسلامی میسر است، واقعا این امر مسئولیت نویسندگان مسلمان را بیش ازهر وقت دیگرحاد و مبرم ساخته و ازایشان میخواهد که حقوق اساسی زنان را ازدیدگاه اسلام درابعاد مختلف تبیین نمایند تا درپرتوآن زمینه پرداخت حق، ادای مسئولیت و ارایه خدمت به آنها تسهیل و مجرای فعالیت های دشمنان مکار، نیزمسدود شود.

درین راستا مصمم شدیم تا در حد مقدورحقوق اسلامی زنان را به زبان ساده و روان به مطالعه برادران و خواهران خود تقدیم نمائیم تا پرتوی برفراز راه و عملیه ای اگر چه اندک است درامرخدمت گزاری به دین واقع شود.

به دنبال تحقق این مأمول و مطابق بضاعت علمی و حوصله نگارش درین رساله، حقوق زن را ازنزدیکترین زنان که شامل مادر و بعد ترهمسر و دختر است آغاز نمودیم چون انسان اولین بارسیمای مهرانگیزمادر را می بیند و بعد در قالب ازدواج و آغاز زندگی فامیلی، با همسر مواجه است و بعد ها

تکلیف تربیت دختران و خواهران را بعهدہ می گیرد، بهترتلقی کردیم که نخستین مباحث ازهمین ها باشد.

شایان ذکر است که در ترجمه آیات قرآنی مراجعه به تفسیرنورشده و ازخوان رنگین و کریمانه داکترصاحب مصطفی خرمدل استفاده گردیده است و سایربرگرفته ها و منابع به کتب معتبر، مأخذ داده شده است. ازهمه کسانیکه این اثر را به مطالعه می گیرند خواهش می کنم تا نارسائی های آنرا ناشی از ناتوانی های ما پندارند و صواب و صحت را ازتوفیقات و الطاف الهی بشناسند که یک واقعیت مسلم است. همچنان منتظرم تا مطالعه کنندگان، خطا و تقصیرات رفته درین رساله را به این حقیربرجسته نموده و جهت اصلاح درآینده ها، تنبیه فرمایند. به نیت حسن ختام این تمهید با تضرع و نیایش رجامندم که خداوند کریم، این حرکت ما را قبول فرموده و وسیله نجات ما ازآفات دنیوی و عذاب اخروی سازد و به نویسنده و خواننده رشد بیشتر و استعداد عمل کردن به اسلام را عطا فرماید.

وما ذلک علی الله بعزیز
استاد عبدالعظیم جهیر

بخش اول

زن به عنوان مادر

در تقوی مات جهانی، ایام ویژه بنام زن، مادر و طفل جلب توجه می کند که با برگزاری محافل و نشست های پرشکوه از آن تجلیل می شود و درین بحبوحه ها، گاه گاهی از جانب اصحاب غرض و سازمانهای دین ستیز، اتلاف حق زنان به اسلام منسوب می شود.

بایسته است جایگاه زن به عنوان مادر تشریح گردد و برداشت و فهم همگانی به این مضمون برسد که اسلام عزیز در بعد حقوق مادر و احسان دربرابر آن تا کدام سطح تاکید و سفارش نموده است تا نه شود که بزرگداشت و تجلیل از مقام مادر را ارمغان روز و نتیجه بحث و فحص های جهان مادی انگارند.

احسان به والدین

طلیعه این مبحث را با آیات روح پرور و انسان ساز قرآن عظیم الشان آغاز می نمائیم.

وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَنْتُلِعَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفْ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا وَاحْفَظْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمْ إِن تَكُونُوا صَالِحِينَ فَإِنَّهُ كَانَ لِلْأَوَّابِينَ غَفُورًا ۝ ١

ترجمه: (ای انسان !) پروردگارت فرمان داده است که جز او را نپرستید، و به پدر و مادر نیکی کنید (و با آنان نیکو رفتار ننمائید) هرگاه یکی از آن دو، و یا هر دوی ایشان نزد توبه سن پیری برسند، (کمترین اهانتی بدیشان مکن و حتی سبکترین تعبیر نامؤدبانه همچون) اف به آنان مگو! (و بر سرایشان فریاد مزین) و آنان را از پیش خود مران و با سخنان محترمانه با آن دوسخن بگو. و بال تواضعِ مهربانی را برایشان فرود آور (و در برابرشان کاملاً فروتن باش، و برای آنان دست دعا به درگاه خدا بردار) و بگو: پروردگارا ! (اینک که ضعیف و جز تو پناهی ندارند) بدیشان مرحمت فرما، همان گونه که آنان در کوچکی (به ضعف و کودکی من رحم کردند و) مرا تربیت و بزرگ نمودند. پروردگارتان (از خودتان) آگاه تربدان چیزهایی است که در درونتان می گذرد (ولذا می داند که اراده نیکی و یا بدی، نسبت به والدین خود دارید) اگر افراد شایسته و بایسته ای باشید (و در راه خدمت بدیشان لغزشی از شما سر زده باشد و در اندیشه جبران آن بوده و از کرده خود پشیمان شوید، خدا شما را می بخشد) چرا که او در حق توبه کاران همیشه بخشنده بوده است.

{وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَآئِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ
وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ...} ^۱

ترجمه: و (به یاد آورید) آن زمان را که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که
جز خدا را نپرستید و نسبت به پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و بینوایان
نیکی کنید.

{ وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا ... } ^۲

ترجمه: (تنها) خدا را عبادت کنید و (بس. و هیچ کس و) هیچ چیزی را
شریک اومکنید. و نیکی کنید به پدر و مادر از فحواى بلند و مفاهیم علیای
آیات شریفه، مقام والدین به سطحی شامخ و عالی معلوم میشود که احسان
به آنها بعد از پرستش و عبادت خداوند و بعد از نهی راجع به شرک واقع شده
یعنی همینکه خداوند کریم به عبادت خود امر کرده و از شرک نهی نموده
است متصل به آن، احسان به پدر و مادر را مطرح نموده و همچنان در مواد
و مفاد میثاق اخذ شده از بنی اسرائیل بدنبال اینکه باید غیر خدا را
نپرستند، احسان به والدین اندراج یافته، واقعا این اتصال و پیوند عمق
و اهمیت رعایت حال و احسان به پدر و مادر را نشان میدهد و حتی شیوه
سخن زدن فرزندان، با ایشان تعلیم داده شده که بایست اولاد ها در برابر
والدین گرامی، بسیار مؤدبانه و با حفظ توقیر و هیمنت آنها تکلم نمایند،
سخن زنند و ناهنجار و بانگ دلخراش و آسیب رسان از زبان آنها بر نیاید.

۱ - سوره بقره، آیه ۸۳

۲ - سوره نساء، آیه ۳۶

کلمه والدین که در آیات مبارکه آمده است احتوا کننده پدر و مادر بوده و در مورد هردوی آنها امر به احسان نموده است.

فرزندان با ایمان و با وجدان را سزااست که این ارشادات و توصیه های غنامند را، راجع به پدر و مادر، هرآن نصب العین و در دستور اجراء داشته باشند.

پدران و مادران بطور سرشتی به رعایت اولاد عنایت دارند و با شوق و علاقه ایشان را می پابند، خود را قربان آنان می کنند و هر چیزی را حتی خود را فدای ایشان می سازند. بدان گونه که گیاهک سبزه همه غذا های دانه را می مکد تا آن گاه که دانه پوک و پوچ می شود و شکسته و پر پرمی گردد. جوجه همه غذای موجود در تخم مرغ را می مکد تا بدانجا که تنها پوسته ای از آن برجای می ماند، همچنین فرزندان همه شیرینیها و خوشیها و هرگونه تندرستی و کوشش و تلاش و تاب و توان پدر و مادر را می خورند و صرف خود می کنند و آنگاه پدر و مادر پیر و فرتوت می شوند.^۱

احسان و نیکوئی با والدین تا آنجا ملحوظ است که حتی اگر مسلمان هم نباشند با آنها فرزندان بایست در باب خدمات دنیوی به پدر و مادر بشکل پسندیده رسیدگی نمایند.

۱ - تفسیر فی ظلال القرآن، جلد ۴ صفحه ۳۵۱ تألیف سید قطب، ترجمه دکتر مصطفی

خرمدل، نشر احسان چاپ سوم ۱۳۸۹

{ وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَى أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا ... }^۱

ترجمه: هرگاه آن دو، تلاش و کوشش کنند که چیزی را شریک من قراردهی که کمترین آگاهی از بودن آن و (کوچکترین دلیل بر اثبات آن) سراغ نداری، از ایشان فرمانبرداری مکن (چرا که درمسأله عقائد و کفر و ایمان همگامی و همراهی جائز نیست، و رابطه با خدا، مقدم بر رابطه انسان

با پدر و مادر است، و اعتقاد مکتبی برتر از عواطف خویشاوندی است. ولی درعین حال) با ایشان در دنیا به طرز شایسته و به گونه بایسته ای رفتار کن.

[عن أسماء بنت أبي بكر رضي الله عنها قالت: قدمت على أمي وهي مشركة في عهد رسول الله ﷺ، فاستفتيت رسول الله ﷺ، قلت: وهي راغبة، أفأصل أمي؟ قال: نعم صلى أمك]^۲

ترجمه: از اسماء بن ابی بکر روایت است که گفت: مادرم به دیدنم آمد و او مشرکه بود و این واقعه در زمان رسول خدا ﷺ، بود، من از رسول خدا ﷺ

۱ - سوره لقمان آیه ۱۵

۲ - متفق علیه، صحیح البخاری، حدیث شماره - ۲۶۲۰ کتاب الهبة، باب: الهدية للمشرکین وصحیح المسلم، حدیث شماره - ۱۰۰۳ کتاب الزکوة، باب: فضل النفقة والصدق على الاقربین والزوج وابوداؤد، حدیث شماره - ۱۶۶۸ کتاب الزکوة، باب: الصدقة على اهل الذمة

فتوا خواستم و گفتم مادر من متمایل به کمک من است، آیا باوی صلۀ رحم کنم . فرمود: آری با ما در خود صلۀ رحم کن .
با این همه رفعت و ظرافتی که جایگاه والدین دارد با آنهم مقام و موقف، تأثیر و نقش، و فضیلت احسان و عنایت به مادر، اولویت ویژه و قابل ملاحظه داشته که این رجحان و تقدم او سزاوار بیانات مبسوطی است.

اولویت حق مادر

[عن ابی هریره رضی الله عنه قال جاء رجل الى رسول الله ﷺ فقال: یا رسول الله من احق الناس بحسن صحابتی؟ قال: امک قال: ثم من؟ قال: ثم امک ، قال ثم من؟ قال: ثم امک، قال ثم من؟ قال: ثم ابوک]^۱

ترجمه: ابوهریره رضی الله عنه گفته است که مردی نزد رسول الله ﷺ آمده وگفت: یا رسول الله ! کدام کس به خوش رفتاری ام سزاوارتر است؟ فرمود: مادرت، گفت: باز کیست؟ فرمود: مادرت، گفت باز کیست؟ فرمود: پدرت.

[عن ابی هریره رضی الله عنه قال: ان رجلا قال یا نبی الله من ابر؟ قال: امک قال: ثم من قال: امک قال: ثم من؟ قال: امک قال: ثم من؟ قال: ابوک]^۲

۱ - صحیح البخاری، امام ابو عبد الله محمد بن اسماعیل بخاری با ترجمه فارسی، مترجم

عبدالعلی نوراحراری، ناشر شیخ الاسلام احمد جام، حدیث شماره - ۵۹۷۱ کتاب الادب، باب: من احق الناس بحسن الصحبة،

۲ - شعب الایمان، تألیف الامام ابی بکر احمد بن الحسین البیهقی المتوفی سنة ۴۵۸ هـ - ق

ترجمه: از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که مردی به پیامبر ﷺ، گفت ای نبی خدا خدمت چه کسی را کنم و با چه کسی رفتار خوب داشته باشم. فرمودند: مادرت. گفت بعد از آن فرمودند: مادرت. گفت بعد از آن فرمودند: مادرت. گفت بعد از آن فرمودند: پدرت.

[عن ابی هریره رضی الله عنه قال قال رجل یا رسول الله من احق بحسن الصحبة؟ قال امک ثم امک ثم ابوک ثم ادناک ادناک] ^۱

ترجمه: از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که گفت مردی پیش رسول خدا ﷺ آمد و پرسید چه کسی بر من بیشتر حق خدمت و رفتار خوب را دارد؟ آن حضرت فرمودند: مادرت باز مادرت باز مادرت پس از آن پدرت پس از آن خویشاوندان نزدیک و پس از آن خویشاوندی که در رتبه بعد از آن قرار داشته باشند.

الطبعة الاولى ۱۴۲۵ ق ۲۰۰۴ م مكتبة نزار مصطفى الباز المملكة العربية السعودية- مكة المكرمة، حديث شماره - ۷۸۳۸ جلد ۲ صفحه ۱۰۶۶

۱ - صحيح المسلم للإمام ابی الحسين مسلم بن الحجاج القشیری نیشاپوری، الطبعة الاولى ۱۴۲۳ ق - ۲۰۰۳ م دار الخیر بیروت لبنان، حديث شماره - ۲۵۴۸ - كتاب البر والصلة والآداب باب: بر الوالدين وانهما احق به

[وعن بهزبن حکیم عن ابيه عن جده قال: قلت يا رسول الله ﷺ من ابر قال: امك قال قلت ثم من قال: امك قال قلت ثم من قال: امك قال قلت ثم من قال: ثم اباك ثم الاقرب فالاقرب]^۱

ترجمه: از بهزبن حکیم روایت شده که گفت: گفتم یا رسول الله برای کی نیکی واحسان نمایم. آن حضرت فرمود: برای مادر خود نیکی واحسان نما. گفت، گفتم: بعد از آن برای کی نیکی کنم. گفت: برای مادر خود نیکی کن. گفت، گفتم: بعد از آن برای کی نیکی کنم. گفت: برای مادرت. گفت، گفتم بعد از آن برای کی نیکی کنم فرمودند: پس از مادر حق پدر تو است پس از وی بمراتب حق سایر خویشاوندان وعزیزان است که با آنان رفتار خوب داشته باشی.

[عن عبد الله بن مسعود رضی الله عنه قال قال رجل يا رسول الله ان لی اما و ابا واخا واختا وعمما وعممة وخالا وخالة فایهم اولی الی بصلتی؟ فقال النبی ﷺ وسلم امك واباک واختک واخاک واذناک واذناک]^۲

۱ - جامع الترمذی، للامام المحدث ابی عیسی محمد بن عیسی بن سورة الترمذی المتوفی سنة ۲۹۷ هـ - ق الطبعة الاولى ۱۴۲۱ هـ - ق - ۲۰۰۰ م دارالکتب العلمیة بیروت - لبنان. حدیث شماره ۱۸۹۷ کتاب البر والصلة باب: ما جاء فی بر الوالدین ورواه البیهقی فی شعب الایمان حدیث شماره - ۷۸۴۰
۲ - رواه البیهقی فی شعب الایمان، حدیث شماره - ۷۸۴۳

ترجمه: از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت شده است که مردی گفت یا رسول الله ﷺ من مادر، پدر، برادر، خواهر، کاکا، عمه، ماما و خاله دارم، پس کدام یکی از ایشان به علاقه و رابطه من اولویت دارد؟ نبی کریم ﷺ فرمودند: مادرت و پدرت و خواهرت و برادرت و پس از آن خویشاوندان نزدیک و پس از آن خویشاوندانی که دررتبه بعد از آن قرار داشته باشند.

شرح تکلیف های ویژه مادر

{وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ} ^۱

ترجمه: ما به انسان درباره پدر و مادرش سفارش کرده ایم (که درحق ایشان نیک باشد و نیکی کند، به ویژه مادر، چرا که) مادرش بدو حامله شده است و هر دم به ضعف و سستی تازه ای دچار آمده است. پایان دوران شیرخوارگی او دوسال است (و دراین دوسال نیز، کودک، شیر یعنی شیره جان مادر را می نوشد. مادر دراین مدت ۳۳ ماهه حمل و شیرخوارگی، مهمترین خدمات و بزرگترین فدا کاری را مبذول می دارد لذا به انسان توصیه ما این است) که هم سپاسگزار من و هم سپاسگزار پدر و مادرت باش، و (بدان که سرانجام) بازگشت به سوی من است (و نیکان را جزا و بدان را سزا می دهیم).

۱ - سوره لقمان، آیه ۱۴ -

{ وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِإِلَادِهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفَصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا... }^۱

ترجمه: ما به انسان دستور می دهیم که به پدر و مادر خود نیکی کند. چرا که مادرش او را با رنج و مشقت حمل می کند، و با رنج و مشقت وضع می کند، و دوران حمل و از شیر بازگرفتن اوسی ماه طول می کشد. حافظ ابوبکر بزار با اسنادی که داشته است از بریده روایت کرده است و او نیز از پدرش نقل نموده است که مردی در طواف، مادر خود را بر پشت گرفته و او را طواف می داد و برگرد کعبه می چرخاند، وَاللَّهِ پرسید آیا حق مادرم را ادا کرده ام و بوظیفه فرزندی برخاسته ام؟ فرمود:

[لا، ولا بزفرة واحدة] نه حتی حق ناله و فریادی را ادا نکرده ای.^۲

جنت زیرپای مادر است

[عن معاوية بن جهمه عن أبيه قال أتيت النبي وَاللَّهِ استشيرته في الجهاد قال: ألك والدة قلت نعم. قال: اذهب فأكرمها فان الجنة عند رجلها]^۳

ترجمه: از معاویه بن جهمه از پدرش روایت است که گفته است نزد پیامبر اکرم وَاللَّهِ، رفتم و راجع به رفتن به جهاد از جناب شان اجازه خواستم

۱ - سوره احقاف، آیه ۱۵

۲ - تفسیر فی ظلال القرآن، جلد ۴ صفحه ۳۵۳

۳ - رواه البيهقي في شعب الايمان، حديث شماره - ۷۸۳۲

فرمودند: آیا مادر داری. گفتم بلی. فرمودند: درتکریم او بکوش، پس یقیناً جنت زیرپای اوست.

[عن معاوية بن جاهمة قال جاء رجل الى رسول الله، يعني جاهمة فقال يا رسول الله اردت ان اغزوفجئتک استشيرک فقال هل لك من ام؟ قال نعم قال فالزمها فان الجنة تحت رجليها] ^۱

ترجمه: از معاوية بن جاهمة روایت است که مردی نزد رسول اکرم ﷺ، آمده یعنی جاهمة و عرض کرد که یا رسول الله ﷺ، میخواهم به جهاد بروم و آمده ام تا تجویز از شما اخذ کنم. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: آیا مادر داری. گفت: بلی. رسول کریم صلی الله علیه وسلم فرمودند: آنرا لازم بگیر پس یقیناً جنت در زیرپای اوست.

[عن عائشة رضی الله عنها قالت قال رسول الله ﷺ تمت فرأيتني في الجنة فسمعت صوت قاريء يقرأ فقلت من هذا؟ قالوا حارثة بن النعمان فقال رسول الله ﷺ كذاك البر، كذاك البر، كذاك البر قال فكان ابرالناس بامه] ^۲

ترجمه: از عایشه رضی الله عنها روایت است که رسول اکرم ﷺ فرمودند: خوابیدم و در خواب دیدم که در بهشت هستم در آنجا صدای قرائت را شنیدم پرسیدم چه کسی است که در اینجا قرآن می خواند به من گفته شد این حارثه بن نعمان است. خدمت و نیکی به پدر و مادر چنین چیزی

۱ - رواه البيهقي في شعب الايمان، حديث شماره - ۷۸۳۳

۲ - رواه البيهقي في شعب الايمان، حديث شماره - ۷۸۵۱

است، خدمت و نیکی به پدر و مادر چنین چیزی است، خدمت و نیکی به پدر و مادر چنین چیزی است.

(رسول اکرم ﷺ پس از بیان خواب خویش فرمودند) حارثه بن نعمان بسیار از مادرش اطاعت و برای او خدمت می کرد (یعنی این عمل او را به بهشت به مقامی رساند که رسول اکرم ﷺ، صدای قرائت او را در بهشت شنیدند).

۱

خدمت مادر باعث عفو گناه بزرگ

[عن ابن عمر رضی الله عنه ان رجلا اتی النبی ﷺ فقال: یا رسول الله انی اصبت ذنبا عظیما فهل لی من توبة؟ قال: هل لك من ام؟ قال: لا. قال: هل لك من خالة؟ قال: نعم، قال فبرها] ۲

ترجمه: از عبد الله بن عمر روایت است که شخصی به محضر- رسول اکرم ﷺ حاضر شد و اظهار داشت ای رسول خدا! من گناه بزرگی را مرتکب شده ام آیا توبه ام قبول می شود؟ آن حضرت پرسیدند: مادرت زنده است؟ وی گفت خیر! آن حضرت پرسیدند: آیا خاله داری؟ وی گفت: آری خاله دارم آن حضرت فرمودند: پس او را خدمت کن و با او رفتار خوب داشته باش (

۱ - معارف الحديث، جلد ۳ صفحه ۳۵۸ تألیف علامه محقق محمد منظورنعمانی، ترجمه، ابوالحسنین عبدالمجید مراد زهی خاشی، ناشر: انتشارات فاروق اعظم، نوبت چاپ پنجم تاریخ انتشار: بهار ۱۳۸۹

۲ - جامع الترمذی، حدیث شماره - ۱۹۰۴ کتاب البر والصلة، باب: ما جاء فی بر الخالة

زیرا خداوند به برکت این عمل گناهت را مورد عفو قرار داده و توبه ات را می پذیرد)

منع از نافرمانی مادر

بهمان گونه که خدمت واحسان به مادرمقام بس شامخ و مشرف دارد و با جملات بسیار گویا و صریح و قاطع مورد تأکید واقع گردیده است، نافرمانی و آزار به مادران نیز جدا منع و مذمت شده است.

[ان الله حرم علیکم عقوق الامهات...]^۱

ترجمه: خداوند بالای شما نافرمانی مادران را حرام ساخته است. شاد باد مادر، چه شکوهمند و شوکت بار است آثار او و چه زیباست کار او و بسی فرخنده است روزگار او، زیرا که تحمل زحمات و پیشبرد محن او را قرآن کریم تعریف نموده و فداکاری و خدمات ارزنده وسازنده او را شایان سپاسگزاری دانسته است، هر فرزند و یا جامعه ای که باورمند به مکتب افتخارآفرین اسلام و رهروان راستین آئین نجات بخش قرآن میباشد، احترام واحسان به مادر را رسم وگزینۀ همیشگی خود قرار می دهند.

بلی، تا زمانیکه فرزند در رحم مادر است ازخون اوتغذیه می نماید، زمانیکه تولد شد شیرمادر غذا و خواب مادر، قربانی پرستاری اش است یعنی خون،

۱ - رواه البیهقی فی شعب الایمان، حدیث شماره - ۷۸۷۲

شیرهٔ جان، استراحت و تفریح اوهمه و همه نثار پرورش فرزندی است که معروف به دلبند است.

مادرنمادی ازمهربانی وسمبولی ازتفقد است، درقلمرو ماموریت او، استبداد، تحجر و قساوت راه ندارد، کانون اشتغال او چون کاخهای قدرت مداری ها، آزمایش گاه فتنه پردازی، مکاری و خون آشامی نیست، آنجا زراندوزی، قدرت محوری و تزویر رنگ ندارد. هتک حرمت و پالیسی های ملون و برنامه های کاذب درحوزه کارش پیشینه و بقیه ای ندارد.

آستان او فرحت زأ و نشاط انگیزاست درمحیطی که صدای روح انگیزمادرطنین انداز است هرچه بوئیده شود معطر و هرچه یابیده شود گوارا تراست، در دستان وی هر مؤلفه رنگین و هرآموزه دل نشین وهرخاطره، بشارت آفرین است.

رجال متعهد، هدفمند، حماسه سازان پرافتخار، فرزندان صدیق و پاسداران راستین، طلایه داران قافله پرتوافگن و روان بخش دعوت اسلامی وعناصرخبیر وآگاهی که پرچم پردرخشش استقلال و آزادی را درگذرگاه روزگار بکف گرفته وبחיث محافظین اصیل در جبهه دفاع برحق ازحریم عقاید و قلمرو اسلامی ونوامیس ملی الگو وسرمشق شده و به تارک تاریخ جا یافته اند و آنانی که درپهنهٔ زمان مردم مسلمان به کارنامه ها وشهکاریهای آنها می بالند وهمچنان مردان رشید، نستوه وقهرمانانی که آثارشان ماندگار و راه شان دنباله داراست ونام وچهره شان درقالب مدال ها ونشانها، بانماد اصالت و بیداری گره خورده است و زیبا نگاران و قلم

بدستان فرهیخته و چکامه سرایان خوشنوا، همه و همه دست پروردگان مادران مؤمن و پروردهٔ عقاید ناب آنها است، بالیدن به موجودی چون مادر و نالیدن ازگزندی به مادر، احساسات ارزندهٔ فرزندان فرزانه است. خانوادهٔ ای که در آن، مادر حرمت و تقدیری شود، کانون سرشار و آکنده از مهر و صمیمیت و منبع بازپخش عطوفت و لطف به فضای جامعه و مبادی خوبی برای ساختار خانواده های خوشبخت درسیرسوی یک اجتماع پویا و هدفمند است، قدرشناسی این گرمی موجود و نیکوکاری در برابر او شالوده برای رشد و انکشاف خوبیهادرکاربردهای برخاسته از اخلاق اسلامی میباشد.

برای تشکیل اجتماع مطلوب انسانی و تأسیس یک نظام شایسته سالار، مادران مسلمان اولین سخن و سخن شان اولین سخن می باشد واقعا ظهور فراگیر و پررنگ یک نظام الگو و ممثل حکومت داری خوب، از بهم پیوستن خانواده های پاک و تکثر خانواده های باثافت از افراد و اعضای پاکیزه میسر است که در آخرین تحلیل دست یابی به این همه که گفتیم درگرو زحمات مادران مؤمن و پاک طینت است.

جهان را محکمی از امهات است	نهاد شان امین ممکنات است
اگر این نکته را قومی نداند	نظام و کار و بارش بی ثبات است ^۱

۱ - علامه اقبال لاهوری

بخش دوم

زن به عنوان همسر

قبل از ظهور اسلام برخی از فرهنگها و برداشتهای وجود داشت که زن را مخلوق ناپاک و موجودی از صنف شیاطین می انگاشت برخی ها، خلقت زن را برای بهره گیری مرد میدانستند و هم تحت پندارهای نابجا، زنان، عناصر ویژه خدماتی کارخانه و آشپزخانه ها قلمداد میشدند و با این دیدگاهها نوعی استفاده ابزاری از زن روان بود و همچون مال و امتعه با او تعامل می شد، دیگر مسلم بود که درهمچویک جوآشفته و ملتهب، شخصیت و موقعیت زن درهاله های ازاهام و خرافات فرو رفته و گمنامی و سرگردانی تراژیدی باری سرنوشت او را درهم پیچیده بود.

بنأ زن منحیث همسر در دود مان شوهر، نظرصائب و سخن پذیرفتنی نداشت و مثل سایرلوازم معمولی در جوانب و زوایای خانه بی اراده و بی ارزش امرارحیات مینمود، اوهرگز نمی توانست من حیث همسر درتدبیرمنزل و سمت و سو دادن به نظام فامیل نقش داشته باشد و دیدگاه و جایگاهی برای اوتثبیت نبود، قساوت، تحجر و بیداد، درهمه عرصه ها علیه اواعمال می شد.

لکن زمانیکه اسلام عزیز ظهور کرد با ارشادات پیوسته حقوق زنان را تثبیت و تقریر نموده وزن را در قالب زوجیت و به عنوان همسر از شمار آیات و نشانه های قدرت خداوند و منبع سکون و آرامش برای مرد معرفی نمود. اینک مکانت زن را به عنوان همسر با مروری به پیشینه موقعیت همسران در تاریخ، تشریح خواهیم نمود.

خلقت همگام مرد وزن

قرآن کریم میفرماید: { يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا... }^۱

ترجمه: ای مردمان! از (خشم) پروردگارتان بپرهیزید. پروردگاری که شما را از یک انسان بیافرید و (سپس) همسرش را از نوع آن آفرید.

{ خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا... }^۲

ترجمه: خداوند، شما را از یک تن (به نام آدم) بیافرید، سپس از جنس او همسرش را (به نام حواء) خلق کرد.

آن زمانیکه خداوند کریم جل جلاله برای آدم علیه السلام امر اسکان در جنت را داد زوجه اش را نیز مشمول امر دانسته و فرمود:

{ وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا... }^۳

۱ - سوره نساء، آیه ۱

۲ - سوره زمر، آیه ۶

۳ - سوره بقره، آیه ۳۵

ترجمه: و گفتیم: ای آدم! تو با همسرت در بهشت سکونت کن و از نعمتهای فراوان و گوارای آن، هرچه و هرکجا که می خواهید، خوش و آسوده بخورید.

وضعیت همسران در قوانین و تمدنهای قبل از اسلام

مبادی موضوع مورد بحث را از دید قوانین و تمدنهای قبل از اسلام، بدین منظور برگزیدیم تا برای خوانندگان حقجو و ثقافت مند سرنخی بدست آید که زنان قبل از اسلام تاچه حد مورد تحجر و توهین قرار داشته‌اند و چقدر ساده و روان و به شیوه‌های بسیار ننگین هویت، حیات و انسانیت آنها بیازی می‌رفته است تا باورق زدن صفحات تاریخ پر آشوب و تأسف انگیز زنان و مطالعه پیام‌های نجات بخش دین اسلام، تحولات چشم‌گیر و مثبت غرض احیاء و اعاده حقوق اصیل زنان و همسران کشف و پخش گردد. زن نزد بابلیان همچون کالای پیش پا افتاده معمولاً خرید و فروش می‌شد. حتی قانون حمورابی که مشهور به دقت و انصاف بود به موجب ماده ۱۱۷ به شوهر حق می‌داد که همسرش را به فروش برساند یا به گرو بگذارد.^۱

زن هندی با کنیز و جاریه که خرید و فروش می‌شد تفاوت چندانی نداشت چون فرد هندی با دیده تحقیر و اهانت به اومی نگریست و می‌بایست زن با خشوع و تواضع و با لقب آقا و سرور شوهر خود را خطاب نماید و در قوانین

۱ - زن در اندیشه اسلامی، صفحه ۲۹ مؤلف جمال محمد فقی رسول، مترجم دکتر محمود

ابراهیمی، نشر احسان، نوبت چاپ اول ۸۳ چاپخانه مهارت

مانو، زن همچو کنیز و جاریه مالک چیزی نبود بلکه هرچه کسب می کرد مال شوهرش می شد و جز با طلاق نمی توانست از شوهر خود جدا شود وقتی که شوهر فوت می کرد زن را نیز میسوزاندند و گاهی پیش از جسد شوهر جثه زن را می سوزاندند و یا او را زنده در حفره ای مدفون می ساختند.^۱

نزد ژاپنی ها ازدواج همچون معامله خرید و فروش بوده زن حق تملک هیچ گونه مالی را نداشت و ارث نمی برد.^۲

ازدواج نزد یونانیان از طریق خرید و فروش صورت می گرفت و بادیده تحقیر بینی به آن می نگریستند. و گوستاولوبون گوید:

یونانیها و بطور کلی اغریقی ها زنان را مخلوقات منحطی می دانستند که تنها برای دوام نسل و اداره منزل و خنله داری سود مندند و هرگاه زن، فرزند زشتی به دنیا می آورد او را می کشتند.

از ارسطو نقل شده که گفته است: طبیعت بشری در مرد به آخرین درجه کمال خود می رسد و اما زن خود شکلی از اشکال قصور و کوتاهی طبیعت بشری است، زن از نظر طبیعت و سرشت ارزش و کرامت کمتری از مرد دارد. باز هم گفته است: مرد برای شریف ترین اعمال و اندیشه آفریده شده است در حالی که زن برای تأمین ادامه نسل آفریده شده است.^۳

۱ - همان، صفحه ۳۱

۲ - همان، صفحه ۳۳

۳ - همان، صفحه ۳۳-۳۴

زن در تمدن رومی مهریه و دارایی را که با خود به خانه شوهر می آورد به مجرد رسیدن به خانه شوهر ملک اومی گردید. قانون رومیان زن بودن را یکی از اسباب فاقد اهلیت و شایستگی می دانست و با زنان همچون کودک و دیوانه برخورد می نمود، بنا بر این شها دتش قبول نبود و نمی توانست چیزی را بر دیگران توصیه نماید. زن حق ارث نداشت بلکه بیرون رفتن دختر از خانه پدری کافی بود برای اینکه از ارث محروم شود.^۱

زن از جنبه اقتصادی در قانون انگلستان تا سال ۱۸۰۵ همچنان وابسته بود و جزء مستغلات به حساب می آمد که مرد می توانست همسرش را بفروشد.

حتی قانون مدنی فرانسه که اروپائیان آنرا مادر قوانین جدید می دانند ممنوع التصرف ها را کودک و دیوانه وزن می دانست تا اینکه در ۱۹۳۸ به مصلحت زن تعدیل گردید اما هنوز هم درباره تصرفات زن شوهر دار قیودی وجود داشت که بالاخره در سال ۱۹۶۶ برداشته شد و زن فرانسوی برای اولین بار استقلال اقتصادی خویش را بدست آورد.^۲

زن عربی هم قبل از اسلام بیشتر از حقوق خویش محروم بود چون در جامعه عربی آن وقت قانون جنگل حکمفرما بود جنگ همواره دایر بود، جنگ و تاراج، شدیداً رواج داشت مبارزه برای منابع آب و گیاه پیوسته در جریان

۱ - همان، صفحه ۳۵

۲ - همان، صفحه ۴۱

بود و تنها حکم شمشیر فیصله بخش قضایا بود و هر کس که نمی توانست از شمشیر بهره بگیرد نمی بایست سالم زندگی کند.

بدیهی است جامعه ای که عاداتش چنین باشد صاحب حق وقتی به حق خود می رسد که قدرت داشته باشد چون زن در این میادین ضعیف بود نمی توانست مالک چیزی باشد یا ارث ببرد بلکه با مال پدر یا شوهرش مانند سایر ترکه میت به ارث برده می شد.^۱

زن در جامعه جاهلی: زن در جامعه در معرض هرگونه ظلم و ستم قرار داشت حقش حیف و میل و اموالش پایمال می شد از ارث محروم بود و بعد از طلاق و یا فوت شوهر، حق ازدواج نداشت و همانند سایر کالاهای حیوانات به ارث دیگران درمی آمد.^۲

کتاب (کندوکاوی در اوضاع جهان و انحطاط مسلمانان) راجع به وضع زنان در جامعه جاهلی، قول عبدالله بن عباس رضی الله عنه را چنین آورده است که می گوید: اگر کسی پدر یا برادرش از دنیا می رفت زنش در اختیار او قرار می گرفت، دوست داشت آن را نگه دارد تا مهریه اش را به او ببخشد یا همچنان ادامه ی حیات دهد تا اینکه بمیرد و اموالش به او برسد.^۳

۱ - همان، صفحه ۴۱ - ۴۲

۲ - کندوکاوی در اوضاع جهان و انحطاط مسلمانان، صفحه ۱۰۶ تألیف ابوالحسن علی حسن ندوی ترجمه عبدالحکیم عثمانی نشر احسان نوبت چاپ اول ۱۳۸۴ چاپ، چاپخانه مهارت

۳ - همان، صفحه ۱۰۶

عطاء بن ابی رباح می گوید : در جاهلیت وقتی کسی که می مرد و زنی به جای می گذاشت خانواده متوفا زن را به خاطر بچه ای کوچکی که از میت باقی مانده بود نگه می داشتند.^۱

سدی می گوید: در جاهلیت وقتی که پدر، برادر و یا پسرکسی می مرد و زنی بجای می گذاشت هرکس از وارثان زن، زود تر روی زن مزبور چادرمی انداخت، زن از آن او بود، او اختیارداشت با مهریه شوهر قبلی با وی ازدواج نماید و یا به عقد کسی در آورد ومهریه اش را خود بگیرد.^۲

کتاب (کندوکاوی در اوضاع جهان و انحطاط مسلمانان) وضعیت زنان را در جامعه هندی قبل از اسلام چنین وانمود کرده است:

مقام زن درین جامعه به مقام کنیزان تنزل یافته بود گاه یک مرد زنش را در قماربازی می باخت و بسا اوقات یک زن چندین همسر داشت اگر شوهرش می مرد دوباره نمی توانست ازدواج کند وهمواره آماج اهانت ها وزخم زبانها بود وزن تبدیل به کنیزخانواده ای شوهرمتوفا وخدمتگاریستگان وی می شد، گاه نیز زن جهت نجات خویش از عذاب زندگی وبدبختی دنیا پس از مرگ شوهر، خودش را آتش می زد.^۳

۱ - همان، صفحه ۱۰۶

۲ - همان، صفحه ۱۰۶

۳ - همان، صفحه ۹۸

با این وضعیت و موقعیت پراضطراب و درد آوری که خانم ها و درمجموع جامعه زن قبل از اسلام با آن دست و گریبان بود، اسلام عزیز آمد و قرائت سالم و تعریف اصیل و ماهیت عینی ای را راجع به زوجه و همسر ارائه داشت و همان بود که رستاخیز عظیم و مثبت در سراپرده زندگی زنان نمودار شد.

خانم جفت شوهر است

{ وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا... }^۱

ترجمه: خدا از جنس خود تان همسرانی برای شما ساخت.

{ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا... }^۲

ترجمه: و یکی از نشانه های (دالّ بر قدرت و عظمت) خدا، این است که از جنس خودتان همسرانی را برای شما آفرید.

خانم ها مرجع سکون برای شوهران

{ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً }^۳...

ترجمه: و یکی از نشانه های (دالّ بر قدرت و عظمت) خدا، این است که از جنس خود تان همسرانی را برای شما آفرید تا در کنار آنان (درپرتو جاذبه و کشش قلبی) بیارامید، و در میان شما و ایشان مهر و محبت انداخت (و هریک را شیفته و دلباخته دیگری ساخت، تا با آرامش و آسایش، مایه

۱ - سوره نحل، آیه ۷۲

۲ - سوره روم، آیه ۲۱

۳ - سوره روم، آیه ۲۱

شکوفائی و پرورش شخصیت همدیگر شوید، و پیوند زندگی انسانها و تعادل جسمانی و روحانی آنها برقرار و محفوظ باشد)

{ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا... }^۱

ترجمه: او آن کسی است که شما را از یک جنس آفرید، و همسران شما را از جنس شما ساخت تا شوهران در کنار همسران بیایند.

ارزش و اهمیت همسر صالحه

ازدواج و نزدیک شدن مرد و زن زیر عنوان زن و شوهر واقعا نقطه عطف و یک امر محوری در هستی می باشد و بیشتر عمق مهم بودن و قابل ملاحظه داشتن آنرا ازین می دانیم که خداوند کریم ازدادن همسران و فرزندان برای پیغمبران خود یادآوری نموده حتما مسئله دارای ارزش و عمده بوده که تا این سطح زیر بحث قرآن قرار گرفته است.

{ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ وَجَعَلْنَا لَهُمْ أَزْوَاجًا وَذُرِّيَّةً... }^۲

ترجمه: (برخی ها داشتن زنان و فرزندان را برتوعیب می گیرند) و ما پیش از تو پیغمبرانی را روانه کرده ایم و زنان و فرزندانی بدیشان داده ایم (پیغمبران، جملگی انسان بوده اند و بنا به سرشت انسانی، خورده اند و خفته اند و با مردم رفت و آمد داشته و معامله کرده و ازدواج نموده اند)

۱ - سوره اعراف، آیه ۱۸۹

۲ - سوره رعد، آیه ۳۸

[عن ابی ایوب قال: قال رسول الله ﷺ، اربع من سنن المرسلین الحیا والتعطر
والسواک والنکاح]^۱

ترجمه: از ابی ایوب روایت است که رسول اکرم ﷺ فرمودند: چهار چیز از سنت پیامبران است. حیا و استعمال خوشبوئی و مسواک و نکاح.

قرآن کریم در اخبار از احوال عباد الرحمن فرموده است:
{ وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَرْوَاحِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا }

۲

ترجمه: و کسانی که می گویند: پروردگارا! همسران و فرزندان به ما عطاء فرما (که به سبب انجام طاعات و عبادات و دیگر کارهای پسندیده، مایه سرور ما و) باعث روشنی چشمانمان گردند، و ما را پیشوای پرهیزگاران گردان (به گونه ای که درصالحات و حسنات به ما اقتداء و ازما پیروی نمایند)

قُرَّةَ أَعْيُنٍ - روشنی چشمان، مایه سرور و شادی.^۳

[حب الی من الدنیا النساء والطیب وجعل قرۃ عینی فی الصلوۃ]^۴

۱ جامع الترمذی، حدیث شماره - ۱۰۸۰ کتاب النکاح، باب: ما جاء فی فضل التزویج والحث علیه

۲ سوره فرقان، آیه ۷۴

۳- تفسیر نور، صفحه ۷۶۳ تألیف دکتر مصطفی خرم دل ناشر: نشر احسان چاپ دهم سال ۱۳۹۳ هـ ش چاپخانه اسوه

۴ - سنن نسائی کتاب عشرة النساء باب: حب النساء

ترجمه: از چیزهای دنیا محبوب داشته شده به من، زنان و خوشبوئی است و روشنی چشمانم در نماز نهاده شده است.

[عن ابی امامة رضی الله عنه عن النبی ﷺ انه كان يقول: ما استفاد المؤمن، بعد تقوی الله خیرا له من زوجة صالحة ان امرها اطاعته وان نظرا لیهما سرته وان اقسم علیها ابرته وان غاب عنها نصحته فی نفسها وماله]^۱

ترجمه: از ابوامامه رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم ﷺ فرمودند: بعد از پرهیزگاری و تقوای خدا، مرد مؤمن هیچ چیزی را بهتر از زن صالح و درستکار، بدست نیاورده است، زیرا هرگاه برایش دستور دهد اطاعت می کند، هرگاه نگاهش می کند مسرور و شادمان می گردد و اگر به انجام کاری او را سوگند داد، اجرا می کند و چون از وی غایب شود ناموس و مالش را حفظ می کند.

[عن عبدالله بن عمرو ان رسول الله ﷺ قال: للدنيا متاع، وخير متاع للدنيا المرأة الصالحة]^۲ ترجمه: از عبدالله بن عمرو رضی الله عنه روایت است که رسول اکرم ﷺ فرمودند: همه مظاهر دنیا مایه ی تمتع و بهره مندی بوده و بهترین متاع آن زن پاک و پرهیزگار است.

۱ - سنن ابن ماجه، الحافظ ابی عبدالله محمد بن یزید القزوينی ابن ماجه ۲۰۲- ۲۷۵
الطبعة الاولى ۱۴۲۱ هـ - ق - ۲۰۰۰ م - دار احیاء التراث العربی بیروت لبنان حدیث شماره -
۱۸۵۷ کتاب النکاح، باب افضل النساء.
هـ - صحیح المسلم، حدیث شماره - ۱۴۶۷ کتاب الرضاع باب: خير متاع الدنيا المرأة الصالحة

[عن عبدالله بن عمرو رضى الله عنه ان رسول الله ﷺ قال انما الدنيا متاع وليس من متاع الدنيا شيء افضل من المرأة الصالحة]^۱

ترجمه: از عبدالله بن عمرو رضى الله عنه روایت است که رسول اکرم ﷺ فرمودند: دنیا جز تمتع و بهره گیری نیست و درهمه بهره مندی ها و تمتعات دنیا بالاتر از زن نیکوکار، چیزی وجود ندارد.

خانم، مُعینِ ایمان و دیانت شوهر است

[من رزقه الله امرأة صالحة فقد اعانه على شطر دينه فليتق الله في الشطر الباقي]^۲

ترجمه: هر کس که خداوند، زن صالحی را روزی او کرده است او را نسبت به نیمه ای دینش یاری کرده است، پس درباره نیمه دوم، از خداوند پروا کند.

[عن ثوبان قال لما انزلت وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ، قال كنا مع رسول الله ﷺ في بعض اسفاره فقال بعض اصحابه قد نزل في الذهب والفضة ما نزل فلو انا علمنا اى المال خير اتخذناه فقال افضله لسانا ذاكرا وقلبا شاكرا وزوجة مؤمنة تعينه على ايمانه]^۳

ترجمه : ثوبان روایت کرده است که وقتی آیۀ { وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ } نازل شده ما در یک سفر با رسول خدا ﷺ بودیم یکی از یاران گفت درباره ای طلا و نقره نازل شد آن چه نازل شد،

۱ - سنن ابن ماجه، حدیث شماره - ۱۸۵۵ کتاب النکاح، باب افضل النساء

۲ - رواه البيهقي في شعب الايمان، حدیث شماره - ۵۴۸۹

۳ - امام احمد، حدیث شماره - ۲۲۴۵۵ جلد ۵ صفحه ۳۲۷ مسند الامام احمد بن حنبل

المتوفى سنة ۳۴۱ هـ - ق الطبعة الاولى ۱۴۱۳ هـ - ق ۱۹۹۳ م دارالمكتبة العلمية بيروت لبنان

ای کاش می دانستیم چه مالی خوب است تا آن را می گرفتیم پیامبر فرمود: بهترین مال و سرمایه، زبانی ذاکر، قلبی شاکر و خانمی مؤمن است که شوهرش را در راه ایمانش یاری دهد.

همسرنیک نشانه سعادت است

[من سعادة ابن آدم ثلاثة ومن شقوة ابن آدم ثلاثة، من سعادة ابن آدم المرأة الصالحة والمسكن الصالح والمركب الصالح ومن شقوة ابن آدم المرأة السوء والمسكن السوء والمركب السوء]^۱

ترجمه: سه چیز از نشانه های خوشبختی انسان و سه چیز از نشانه های بدبختی او هستند از نشانه های خوشبختی انسان زن نیکو کار، منزل خوب و وسیله سواری خوب است از نشانه های بدبختی انسان زن بد، منزل بد و وسیله سواری بد است.

از نظر اسلام خانمها هستند که با توجه به زن بودن شان شخصیت مردان را کامل می گردانند و همچنان که مردان نیز با توجه به مرد بودن خود، شخصیت زنان را کامل می نمایند و زن و مرد هیچگاه دشمن و رو در روی هم و جایگزین و یا رقیب یکدیگر نبوده و بلکه هریک وسیله ای برای رشد و تکامل طرف مقابل می باشند.^۲

۱ - امام احمد بن حنبل، حدیث شماره - ۱۴۴۹ جلد اول صفحه ۲۱۳

۲ - دورنمای جامعه اسلامی، صفحه ۵۴۲ مؤلف دوکتور یوسف قرضاوی مترجم عبدالعزیز سلیمی چاپ دوم سال ۱۳۸۵ چاپخانه مهارت، نشر احسان.

همسر، صاحب نظر و مشاور است

مرحله نکاح برای زنان، مرحله امحاً یا فروش نیست تا باقی زندگی آنها در مدیریت مطلق دیگران قرارگیرد بلکه خانواده تحت قیمومیت مرد و معاونیت زن تأسیس می شود و زن من حیث عنصر مؤثر و فعال در خانه می تواند تحلیل، تبصره و دیدگاه داشته باشد و مشوره میان زن و شوهر یک اصل است.

{ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا ... }^۱

ترجمه: واگر (والدین) خواستند با رضایت و مشورت همدیگر (کودک را زود تراز دو سال) از شیر بازگیرند گناهی بر آنان نیست.

{ وَأُتِمُّوا بِبَيْنِكُمْ بِمَعْرِوفٍ وَإِنْ تَعَاَسَرْتُمْ فَسْتَزْعُ لَهُ أُخْرَى }^۲

ترجمه: با یکدیگر درباره سرنوشت فرزندان، زیبا و پسندیده مشورت کنید (و اجرتی متناسب با مقدار و زمان شیردادن، بر حسب عرف و عادت، تعیین کرده، و به نوزادان و کودکان از هر نظر عنایت شود) اگر هم بر همدیگر سخت گرفتید و به توافق نرسیدید، دایه ای شیردادن به کودک مرد را برعهده می گیرد (تا نزاع و کشمکش ادامه نیابد)

کتاب الگوی هدایت، تحلیل وقایع زندگی پیامبر اکرم ﷺ، در بحث صلح حدیبیه، شرحی را تحت عنوان ذیل نگاشته است:

۱ - سوره بقره، آیه ۲۳۳

۲ - سوره طلاق، آیه ۶

بیرون شدن از لباس احرام و پیشنهاد ام سلمه رضی الله عنها پیامبر اکرم ﷺ بعد از نوشتن عهد نامه، خطاب به اصحاب و یاران خویش فرمود: برخیزید و قربانیها را ذبح کنید و سربتراشید. این را سه بار تکرار کرد اما کسی از آنها اقدام به این کار نکرد. بنابراین پیامبر اکرم ﷺ وارد خیمه اش شده و نگرانی خود را به ام سلمه گفت. ام سلمه به آن حضرت ﷺ پیشنهاد کرد که نخست خود شما چنین کنید. پیامبر اکرم ﷺ درملاً عام، شترش را قربانی کرد و سرش را تراشید و بعد ازان صحابه رضی الله عنهم در قربانی کردن و تراشیدن سر، بریکدیگر سبقت گرفتند.

ام سلمه از روحیه صحابه رضی الله عنهم، متوجه این موضوع گردید که آنها این دستور پیامبر اکرم ﷺ را به حساب رخصت و استحباب گرفته اند و آن را امری واجب نمی دانند، چرا که پیامبر اکرم ﷺ، که همیشه در کارهای خیر بر دیگران سبقت می گرفت هنوز در احرام بسر می برد و قربانی ذبح نکرده، بنابراین، به پیامبر اکرم ﷺ، پیشنهاد نمود تا عملاً قبل از دیگران به این امر اقدام نماید چنان که وقتی پیامبر اکرم ﷺ، قربانی ذبح نمود و سربتراشید، صحابه رضی الله عنهم، بی درنگ در حالیکه از یکدیگر سبقت می گرفتند از احرام بیرون شده و قربانی ذبح نمودند.

همچنین از این داستان علاوه بر اینکه استحباب نظرخواهی از زن عاقل و اندیشمند استنباط می گردد جایگاه رفیع زن در اسلام نیز مشخص می گردد و این برخلاف تبلیغات غیرمنصفانه ای است که می گویند:

در اسلام حقوق زن رعایت نشده است. چرا که پیامبر اکرم ﷺ به عنوان حاکم جامعه اسلامی، مشورت همسرش را پذیرفت و به آن ارج نهاد.^۱ ازینجا به خوبی استنباط می شود که شوهر، خواست خود را که هرچه باشد وبه هرگونه که باشد نه میتواند که بالای زن خود تحمیل کند و زن هم مکلف نیست تا اوامر و خواهش های شوهر را در بست و دست بسته قبول کند زیرا هرامر و دستور از هرمنبعی که صدور یافته باشد اگر موافق به دین نباشد فراخور اطاعت نمی باشد حتی اگر فرمان رئیس دولت هم باشد، ملت در برابر آن اطاعت مشروط دارند یعنی هرگاه حکم رئیس جمهور، پیروی از قرآن و سنت باشد و در چهارچوب و طبق موازین اسلامی آمده باشد علی الرأس والعین مقبول و قابل تعمیل است و اگر در مخالفت و مغایرت با احکام اسلامی قرار داشته باشد، مردم علاوه بر اینکه در تطبیق آن مسئولیت ندارند، ماموریت دارند تا زعیم کشور را در این باب تنبیه نموده و با وعظ و مشوره او را به صوب ثواب و مسیر حق استقامت دهند.

[عن ابن عمر عن النبی ﷺ، انه قال عَلَى الْمَرْءِ الْمُسْلِمِ السَّمْعُ وَالطَّاعَةُ فِيمَا أَحَبَّ وَكَرِهَ إِلَّا أَنْ يُؤْمَرَ بِمَعْصِيَةٍ فَإِذَا أُمِرَ بِمَعْصِيَةٍ فَلَا سَمْعَ وَلَا طَاعَةَ] ^۲ ترجمه: از ابن

۱- الگوی هدایت، تحلیل وقایع زندگانی پیامبر اکرم ﷺ، جلد دوم، صفحه ۵۰۸ تالیف دکتر علی محد صلابی، مترجم، هیئت علمی انتشارات حرمین، ناشر: انتشارات احمد، سال چاپ ۱۳۹۲ هـ ش مطبعه صنعتی احمد کابل

۲- صحیح المسلم، حدیث شماره - ۱۸۳۹ کتاب الامارة، باب وجوب طاعة الامراء فی غیر معصية وتحریمها فی المعصية وسنن ابن ماجه، حدیث شماره - ۲۸۶۴ کتاب الجهاد باب: لاطاعة فی معصية الله

عمر رضی الله عنه روایت است که رسول خدا ﷺ فرمود: برفرد مسلمان واجب است که در آنچه دوست دارد یا ناپسند دارد از امیر خود فرمان برد مگر این که به معصیت امر شود که در این صورت نه اجابتی هست و نه فرمانی.

حقوق زن بالای شوهر

موضوع ازدواج مکمل و متمم زندگی مرد و زن است و یک بحث خشک و تگ محوره نیست که زن را در حصاربرد و از او صرف یک دستگاه فرمان شنو تیار نماید، می بینیم در برنامه ازدواج، زنان یک جانب گیرنده پیمان قرار گرفته اند و مسلم است که جناحین پیمان نامه، از موضعگیری ثابت و استقلال نظر برخوردار می باشند، نفس طرح میثاق به صراحت می رساند که مواد، مواعید و مسئولیت های متوجه طرف مقابل بوده که روی رعایت و در نظر داشت و تحقق آن میثاق بمیان آمده است.

قرآن کریم در خطاب به مردان میفرماید:

{ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَأَخَذْنِ مِنْكُمْ مِيثَاقًا عَلِيًّا }^۱

ترجمه: و حال آن که با یکدیگر آمیزش داشته اید و هریک بر عورت دیگری اطلاع پیدا کرده اید و (گذشته از این) زنان پیمان محکمی (هنگام ازدواج) از شما گرفته اند (خداوند برابر آن، امر زناشوئی را حلال نموده است)

۱ - سوره نساء، آیه ۲۱

زن زمانی که به دنبال برنامه ازدواج، همسر مرد می شود، همگام یک سلسله واجبات و تکالیف در برابر شوهر و خانواده، صلاحیت های هم کسب میکند و حقوقی را نیز صاحب می شود.

قرآن کریم میفرماید: { وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ... }^۱

ترجمه: و برای همسران (حقوق و واجباتی) است (که باید شوهران اداء بکنند) همان گونه که بر آنان (حقوق و واجباتی) است که (باید همسران اداء بکنند) به گونه ی شایسته ای (که برابر عرف مردمان و موافق با شریعت اسلام باشد)

{ الْمَعْرُوفِ } پسندیده، کار نیکوئی که خداوند بدان دستور داده است. از قبیل

حسن معاشرت و زیان نرساندن و غیره . . .^۲

– مهریه

قرآن کریم میفرماید: { وَآتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِّنْهُ نَفْسًا فَكُلُوْهُ هَنِيئًا مَّرِيئًا }^۳

ترجمه : و مهریه های زنان را به عنوان هدیه ای خالصانه و فریضه ای خدایانه بپردازید. پس اگر با رضایت خاطر چیزی از مهریه خود را به شما بخشیدند، آن را (دریافت دارید و) حلال و گوارا مصرف کنید.

۱ - سوره بقره، آیه ۲۲۸

۲ - تفسیر نور، صفحه ۷۱

۳ - سوره النساء، آیه ۴

{ صَدَقَاتٍ } جمع صدقه، مهریه ها (نَحْلَةً) فريضة، عطيه بلاعوض.^۱
 { فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ
 مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا }^۲

ترجمه: پس اگر با زنی از زنان ازدواج کردید و از او کام گرفتید، باید که مهریه او را (چنان که مقرر است بدون کم و کاست و در موعد خود) بپردازید، و این واجبی (از واجبات الهی) است و بعد از تعیین مهریه، گناهی بر شما نیست در آنچه میان خود بر آن توافق می نمائید (مثلاً این که همسر با رضا و رغبت از مقداری از مهریه خود چشم پوشی کند و یا شوهر مشتاقانه مقداری بر اندازه مهریه بیفزاید) بیگمان خداوند (پیوسته بر مصالح بندگان خود) آگاه (و در احکامی که برای آنان وضع می نماید) حکیم بوده (و می باشد)

{ وَإِنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ وَآتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قِنْطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا
 أَتَأْخُذُونَهُ بُهْتَانًا وَإِنَّمَا مُبِينًا }^۳

ترجمه: و اگر خواستید همسری را به جای همسری برگزینید، هر چند مال فراوانی هم مهر یکی از آنان کرده باشید، برای شما درست نیست که چیزی از آن مال دریافت دارید. آیا با بهتان و گناه آشکار، آن را دریافت می دارید؟! (مگر مؤمنان را چنین کاری سزد ؟!)

۱ - تفسیر نور، صفحه ۱۴۱

۲ - سوره نساء، آیه ۲۴

۳ - سوره نساء، آیه ۲۰

هدف از مهریه اظهار اهمیت عقد ازدواج، اکرام و احترام به شخصیت زن و اظهار حسن نیت و صداقت مرد برای ازدواج با او، و زمینه برای دوام معاشرت و زندگی زناشویی است.^۱

– نفقه

{ الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ ... }^۲

ترجمه: مردان بر زنان سرپرستند (و در جامعه کوچک خانواده، حق رهبری دارند و صیانت و رعایت زنان بر عهده ایشان است) بدان خاطر که خداوند (برای نظام اجتماع، مردان را بر زنان در برخی از صفات برتری های بخشیده است و) بعضی را بر بعضی فضیلت داده است، و نیز بدان خاطر که (معمولاً مردان رنج می کشند و پول به دست می آورند و) ازا مال خود (برای خانواده) خرج می کنند.

قَوَّامُونَ: جمع قَوَّام، صیغه مبالغه قائم است و کسی را می گویند که شبانه روز به کار و بار خانواده قیام کند و پیوسته در راه مصالح ایشان در تلاش باشد. سرپرست خدمتگزار.^۳

۱ - فقه خانواده در جهان معاصر، صفحه ۱۴۸ تألیف دوکتوره زحیلی، ترجمه

عبدالعزیز سلیمی نشر احسان چاپ دوم ۱۳۸۵

۲ - سوره نساء، آیه ۳۴

۳ - تفسیر نور، صفحه ۱۵۳

{ لِيُنْفِقْ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ وَمَن قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا... }^۱

ترجمه: آنان که دارا هستند، از دارائی خود (برای زن شیردهنده، به اندازه توان خود) خرج کنند، و آنان که تنگدست هستند، از چیزی که خدا بدیشان داده است خرج کنند، خداوند هیچ کسی را جز بدان اندازه که بدو داده است مکلف نمی سازد .

[عن حكيم بن معاوية عن ابيه، ان رجلا سأل النبي ﷺ ما حق المرأة على الزوج؟ قال: ان يطعمها اذا طعم وان يكسوها اذا اكتسى، ولا يضرب الوجه، ولا يقبح، ولا يهجر الا في البيت]^۲

ترجمه: حکیم بن معاویة به روایت از پدرش می گوید: که مردی از رسول اکرم ﷺ، راجع به حق زن بالای شوهر سؤال نمود، پیامبر اکرم ﷺ، فرمودند: که شوهر باید همسر خود را ازطعامی که خود می خورد طعام بدهد و لباس بپوشاند و در رویش نزند و او را تقبیح نکند و ازبسترش هم دوری نکند مگر درخانه.

[الا وحقهن عليكم ان تحسنوا اليهن في كسوتهن وطعامهن]^۳

ترجمه: آگاه باشید که حق زنان بالای شما است تا در امور پوشاک و اطعام آنها با نیکوئی عمل نمائید.

۱ - سوره طلاق، آیه ۷

۲ - سنن ابن ماجه، حدیث شماره ۱۸۵۰ کتاب النکاح، باب حق المرأة على الزوج

۳ - سنن ابن ماجه، حدیث شمار ۱۸۵۱ کتاب النکاح، باب حق المرأة على الزوج

[اطعموهن مما تاكلون واكسوهن مما تكتسون ولا تضربوهن ولا تقبحون]^۱

ترجمه: زنان را طعام بدهید از آنچه خود بحیث طعام صرف مینمائید ولباس به آنها تهیه نمائید (به همان ارزش که) خود لباس می پوشید و زنهارا نزنید و بدگوئی شان را هم ننمائید.

- مسکن

{ أَسْكُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وَجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمِلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ...

{ ۲

ترجمه: زنان مطلقه را درجائی سکونت دهید که خود تان در آنجا زندگی می کنید و درتوان دارید، و بدیشان زیان نرسانید تا (با زیان رساندن خود برآنان سختگیری کنید و) در تنگنایشان قرار دهید (وایشان مجبور به ترک منزل شوند) اگرآنان باردار باشند، خرج ونفقه ایشان را بپردازید تا زمانی که وضع حمل می کنند. اگرآنان (حاضرشدند بعد از جدائی، فرزندان) شما را شیر دهند، مزدشان را به تمام و کمال بپردازید.

۱ - سنن ابی داؤود، للامام الحافظ الملقب ابی داود سلیمان بن الاشعث السجستانی الازدی

۲۰۲ - ۲۷۵ هـ - ق الطبعة الاولى ۱۴۲۲ هـ - ق - ۲۰۰۱ م دارالمعرفة بیروت لبنان حدیث

شماره ۲۱۴۴ کتاب النکاح، باب فی حق المرأة علی زوجها،

۲ - سورة طلاق آیه ۶

این آیه هرچند موضوع وجوب تأمین نفقه زنی را که در حال عده طلاق قرار دارد بیان می نماید، اما به طریق اولی شامل زنانی هم می شود که طلاق داده نشده و در حال عده به سر نمی برند.^۱

فقه خانواده در جهان معاصر از تألیفات دوکتور وهبه زحیلی، در قسمت مسئولیت های شوهر، راجع به زن شرحی مختصری را چنین نگاشته است: شوهر با توجه به شرایط زمانی کنونی در مقابل همسر خود دارای نه مسئولیت است.

- پرداخت کامل مهریه

طبرانی در کتابهای (وسیط) و (اوسط) نقل می نماید که هر مردی که با زنی ازدواج نماید و مهریه ای را کم یا زیاد برای او معین کند و قصد پرداخت آن را نداشته باشد به عنوان زناکار نزد خداوند مورد محاسبه قرار خواهد گرفت.

- احساس آرامش

مرد همسر خود را به عنوان شریک غم و شادی و مایه آرامش و آسودگی زندگی خود احساس کند.

- تهیه مسکن مناسب

در حد معمول و متناسب مسکنی مناسب را برای حفظ حرمت و صحت و کرامت همسر فراهم نماید.

۱ - فقه خانواده در جهان معاصر، صفحه ۱۴۹

- آموزش

لازم است شوهر همه توان خود را برای آموزش مسئولیتهای دینی و فرهنگی اخلاقی به همسرش بکار بگیرد.

- اعتدال در غیرت

مرد نباید شرایطی را فراهم نماید که همسرش با آدمهای بیگانه قاطی شود و بدون ضرورت از منزل خارج گردد و او را در برابر همه مواردی که ممکن است دچار سوء ظن و شک و تردید شود محافظت نماید و او را با مردی بیگانه هرچند پرهیزگار هم باشد در خانه و جایی دیگر تنها نگذارد.

- گشاده رویی

لازم است مرد با همسر خود خوش اخلاق و گشاده رو باشد و بخاطر رضایتش با او به شوخی و سرگرمی پردازد و او را متوجه بنماید که از صمیم قلب دوستش می دارد.

- چشم پوشی

مرد نباید از همه حرکات و کردار و گفتار همسرش به ویژه در حضور دیگران، خرده بگیرد و بهتر آن است که از بسیاری از اشتباهات او چشم پوشی نماید و در صورت لزوم در خلوت او را نصیحت کند.

- عدم کشف اسرار

به خاطر حفظ حرمت و کرامت خود و همسر و ادای وفا به پیمان مشترک زندگی از بدگویی و کشف اسرارش نزد دیگران خود داری کند.

- دادگری

چنانچه مرد دارای چند همسر باشد، باید میان آنها در لباس خوراک، مسکن و رفت و آمد به عدالت رفتار نماید.^۱

زن مطلوب و مرد طالب آن است

مرحله خطبه و خواستگاری یکی از مراحل عمده و قابل ملاحظه در تمهید و مقدمات نکاح است که در آن به دختر مخطوبه گفته میشود و نشان میدهد که مرد خواستگار و در طلب زن است. در حالیکه مرد و زن، هر دو به همدیگر ضرورت دارند، نقش متقابل هر کدام متمم و مکمل زندگی است و هر دوی شان از نتایج و پیامدهای ازدواج متمتع و مستفید میشوند.

معاشرت نیک با همسر

{ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا }^۲

ترجمه: و با زنان خود به طور شایسته (در گفتار و در کردار) معاشرت کنید، و اگر هم از آنان (به جهاتی) کراهت داشتید (شتاب نکنید و زود تصمیم به جدائی نگیرید) زیرا که چه بسا از چیزی بدتان بیاید و خداوند در آن خیر و خوبی فراوانی قرار بدهد.

۱ - برگرفته از فقه خانواده در جهان معاصر، صفحه ۱۵۱ - ۱۵۲

۲ - سورة النساء، آیه ۱۹

وَلَا تُنْسِكُوهُمْ ضِرَاراً لِّتَعْتَدُوا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ وَلَا تَتَّخِذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُواً وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمَا أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةِ يَعِظُكُمْ بِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۱

ترجمه: و به خاطر زیان رسانیدن بدیشان و تعدی کردن برایشان، هیچ گاه (با آنان آشتی نکنید و) ایشان را نگاه ندارید، و کسی— که چنین کند، بی گمان به خویشتن ستم کرده است، و (با این گونه اعمال و سوءاستفاده کردن از قوانین) آیه های (احکام و حدود) خدا را به باد استهزاء نگیرید، و نعمت خدا را بر خود (که از جمله الفت میان شوهر و همسر— و تنظیم امور زندگی خانوادگی است) و آنچه را که از کتاب و حکمت (یعنی قرآن و اسرار شریعت اسلام) بر شما نازل کرده است و شما را با آن پند می دهد، به خاطر بیاورید و از (خشم) خدا بپرهیزید و بدانید که بی گمان خداوند از هر چیزی آگاه است.

{وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ...} ۲

ترجمه: و برای همسران (حقوق و واجباتی) است (که باید شوهران اداء بکنند) همان گونه که برآنان (حقوق و واجباتی) است که (باید همسران اداء بکنند) به گونه شایسته ای (که برابر عرف مردمان و موافق با شریعت اسلام باشد)

۱ - سوره بقره، آیه ۲۳۱

۲ - سوره بقره، آیه ۲۲۸

{ الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ فَإِمْسَاكَ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ ... }^۱

ترجمه: طلاق دو بار است (آن طلاقی که حق مراجعت در آن محفوظ است. بعد ازدو مرتبه طلاق، یکی ازدو کار را باید کرد) نگاهداری (زن) به گونه شایسته (وعادلانه) یا رها کردن (او) با نیکی (و بایستگی و به دور از ظلم و جور .

{ وَإِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَلْيُغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ ... }^۲

ترجمه: و هنگامی که زنان را طلاق دادید، و به (آخرین روزهای) عده خود رسیدند، یا به طرز صحیح و عادلانه ای آنان را نگاه دارید (و با ایشان آشتی کنید) یا آنان را به طرز پسندیده و دادگرانه ای رها سازید

{ وَإِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَلْيُغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَاضَوْا بَيْنَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ ذَلِكَ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَمُ أَرْكَى لَكُمْ وَأَظْهَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ }^۳

ترجمه: و هنگامی که زنان را طلاق دادید و مدت عده خود را به پایان رسانیدند، مانع آنان نشوید که با شوهران (سابق یا با کسان دیگری) ازدواج کنند، اگر در میانشان به طرز پسندیده ای تراضی برقرار گردد (وخواسته باشند زندگی خانوادگی آبرومندانه ای به راه اندازند) این (احکام حکیمانه همراه با ترغیب و ترهیبی که گذشت) همان چیزی است که

۱ - سوره بقره، آیه ۲۲۹

۲ - سوره بقره، آیه ۲۳۱

۳ - سوره بقره، آیه ۲۳۲

کسانی از شما بدان پند داده می شوند که به خدا و روز رستاخیز ایمان دارند. این (اوامر و نواهی الهی) برای شما (از نظر رشد علائق و روابط اجتماعی و تطهیر نفوس از زنگ بدگمانیها و آلودگیهای محیط) پربرکت تر و پاکیزه تر (از ممانعت زنان از ازدواج با دیگران و غیره) است، و خدا (مصالح اجتماعی بشری و فوائد نهفته در این احکام را) می داند و شما (اسرار این اوامر و نواهی را چنان که شاید و باید) نمی دانید.

{ وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ ... }^۱

ترجمه: و اگر (ای پدران) خواستید دایگانی برای فرزندان خود بگیرید، گناهی بر شما نیست، به شرط این که حقوق آنان را به طور شایسته بپردازید.

{ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ ... }^۲

ترجمه: بر آن کس که فرزند برای او متولد شده (یعنی پدر) لازم است خوراک و پوشاک مادران را (در آن مدت به اندازه توانائی) به گونه شایسته بپردازد.

۱ - سوره بقره، آیه ۲۳۳

۲ - سوره بقره، آیه ۲۳۳

{ وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ }^۱

ترجمه: و کسانی که از شما (مردان) می میرند و همسرانی از پس خود به جایی می گذارند، همسرانشان باید چهار ماه و ده شبانه روز انتظار بکشند (وعدۀ نگاه دارند) و هنگامی که به آخر مدتشان رسیدند و آن را به پایان بردند، گناهی بر شما نیست که هرچه می خواهند درباره خودشان به طور شایسته انجام دهند (و اعمالی موافق با شرع از ایشان سرزند و با مرد دلخواه خود ازدواج کنند) و خدا از آنچه می کنید آگاه است.

{ وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّسَاءِ أَوْ أَكْنَنْتُمْ فِي أَنْفُسِكُمْ عِلْمَ اللَّهِ أَنْكُمْ سَتَدَّكُرُونَهُنَّ وَلَكِنْ لَا تَوَاعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا ... }^۲

ترجمه: و گناهی بر شما (مردان) نیست که به طور کنایه از زنانی (که شوهرانشان فوت کرده اند و در عدۀ بسر می برند) خواستگاری کنید، و یا دردل خود تصمیم بر این کار را بگیرید (بدون این که آن را اظهار نمایید) خداوند می دانست شما آنان را یاد خواهید کرد (و این گرایش فطری مردان نسبت به زنان است و خداوند با خواسته طبیعی شما به شکل معقول مخالف نیست) ولی به آنان پنهانی وعده زناشوئی ندهید، مگر این که به طرز پسندیده ای (و به طور کنایه) اظهار کنید.

۱ - سوره بقره، آیه ۲۳۴

۲ - سوره بقره، آیه ۲۳۵

{ لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً وَتَعُوهُنَّ عَلَى الْمَوْسِعِ قَدْرُهُ وَعَلَى الْمُقْتَرِ قَدْرُهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ }^۱

ترجمه: اگر زنان را قبل از آمیزش جنسی و تعیین مهر (به عللی) طلاق دهید، گناهی بر شما نیست (و در این موقع) آنان را (با هدیه ای مناسب حال خود) بهره مند سازید. آن کس که توانائی (مالی) دارد، و آن کس که توانائی (مالی) ندارد، به اندازه خودش، هدیه ای شایسته (و مناسب حال دهنده و گیرنده) می پردازد، و این (پرداخت هدیه) بر نیکوکاران الزامی است.

{ وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا وَصِيَّةً لَّأَزْوَاجِهِمْ مَّتَاعًا إِلَى الْحَوْلِ غَيْرِ إِخْرَاجٍ فَإِنْ خَرَجْنَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ مِنْ مَّعْرُوفٍ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ }^۲

ترجمه: و کسانی که از شما در آستانه مرگ قرار می گیرند و همسرانی را از خود به جایی می گذارند، (فرمان خدا این است که) باید برای همسران خود وصیت کنند که تا یک سال آنان را (با پرداخت هزینه زندگی) بهره مند سازند، به شرط این که آنان (خودشان از خانه شوهر) بیرون نروند، پس

۱ - سوره بقره، آیه ۲۳۶

۲ - سوره بقره، آیه ۲۴۰

اگر بیرون روند هرکار پسندیده ای که نسبت به خود انجام دهند (از قبیل ازدواج مجدد) گناهی بر شما نیست، و خداوند توانا و حکیم است .

{ وَلِلْمُطَلَّاتِ مَتَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ }^۱

ترجمه: و برای زنان مطلقه، هدیه مناسبی است (که از طرف شوهر پرداخت می گردد و) این حقی است بر مردان پرهیزگار .

می بینیم که از آیه ۲۲۸ الی آیه ۲۴۱ سوره بقره دوازده بار کلمه معروف در تعامل میان شوهر و همسر و مسایل حقوقی و ظرافت ها و رعایت توازن و نزاکتها در میان شوهر و خانم بکار رفته است با ترکیز بر این اهتمام و عنایت و این حد توجه که در دین اسلام راجع به مسایل و مشترکات خانم و شوهر شده بایست نه مرد از صلابت و قیمومیت خود سوء استفاده کرده و حق همسر خود را نادیده بگیرد و نه زن از موقعیت خود پیش روی نابجا نماید بلکه وجیه و مکلفیت هر کدام آنها این است که فقط احکام خدا و پیامبرش را در تعامل خویش اساس و معیار قرار دهند.

[عن ابی هریره رضی الله عنه قال قال رسول الله ﷺ، لا یفرک مؤمن مؤمنة ان کره منها خلقا رضی منها آخر او قال غیره]^۲

ترجمه: از ابوهریره رضی الله عنه نقل است که رسول خدا ﷺ فرمود: هیچ مرد مؤمنی کینه ی زن مؤمن خود را بدل نگیرد اگر صفتی از صفت های او را ناپسند داشت از صفت (خوب) دیگر وی خشنود گردد (یعنی همیشه

۱ - سوره بقره، آیه ۲۴۱

۲ - صحیح المسلم، حدیث شماره - ۱۴۶۹ کتاب الرضاع باب: الوصیة بالنساء

نیمه ی خالی لیوان را نبیند بلکه به صفات خوب دیگر همسرش نیز نظر داشته باشد تا توازن میان زن و شوهر حفظ شود)

یعنی اگر شوهر از عادات و اخلاق همسر خود یک عادت را مخالف با میل و پسندش احساس کرد از او نفرت نکند و روش بی ارتباطی و عدم محبت را درپیش نگیرد و اندیشه طلاق را در سر نپروراند بلکه عادت و اخلاق خوب او را مورد توجه قرار دهد و قدر و منزلت او را بشناسد این خواست صفت ایمان شوهر مؤمن و حق ایمان همسر مؤمنه است.^۱

[عن ابی هريرة رضى الله عنه قال قال رسول الله ﷺ، استوصوا بالنساء فان المرأة خلقت من ضلع و ان اعوج شىء فى الضلع اعلاه فان ذهبت تقيمه كسرتة وان تركته لم يزل اعوج فاستوصوا بالنساء]^۲

ترجمه: از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: بازنان بر نیکویی رفتار کنید همانا زن از استخوان پهلوی که کج است آفریده شده است و کج ترین استخوان پهلوی بخش بالایی آن است که اگر بخواهی راستش گردانی آن را می شکنی و اگر بدان حالت بگذاری همیشه کج می باشد پس شما را به نیکویی با زنان سفارش می کنم .

۱ - معارف الحديث، جلد سوم، صفحه ۳۸۰

۲ - صحيح البخارى، حديث شماره - ۳۳۳۱ كتاب احاديث الانبياء باب: خلق آدم و ذريته وصحيح المسلم، حديث شماه - ۱۴۶۸ كتاب الرضاع، باب: الوصية بالنساء

[وعن ابی هريرة رضى الله عنه قال قال رسول الله ﷺ، اكمل المؤمنين ايمانا احسنهم خلقا وخياركم خياركم لنسائهم خلقا]^۱

ترجمه: از ابوهريرة رضى الله عنه روايت شده است كه ﷺ فرمودند: كسانى از مسلمانان ايمان شان كاملتر است كه اخلاق آنها خوب باشد و از شما كسانى بهتر هستند كه در حق همسران خود، خوب و خوش برخورد باشند.

[عن عائشة رضى الله عنها قالت قال رسول الله ﷺ، خيركم خيركم لاهله وانا خيركم لاهلى...]^۲

ترجمه: از عائشة رضى الله عنها روايت است كه رسول كريم ﷺ فرمودند: بهترين شما خوش رفتارترين شما با همسر خويش است و من با همسران خود بسيار خوب هستم.

[عن عبد الله بن عمرو قال قال رسول الله ﷺ، خياركم، خياركم لنسائهم]^۳

ترجمه: از حضرت عبدالله بن عمرو رضى الله تعالى عنه روايت شده است كه رسول اكرم ﷺ فرمودند: بهترين هاى شما بهترين هاى شما در برابر زنان شان استند.

۱ - جامع الترمذی، حديث شماره - ۱۱۶۲ كتاب الرضاع باب: ما جاء فى حق المرأة على زوجها

۲ - جامع الترمذی، حديث شماره - ۳۸۹۵ كتاب المناقب، باب: فضل ازواج النبی ﷺ، وابن ماجه حديث شماره ۱۹۷۷ كتاب النكاح، باب: حسن معاشرت النساء

۳ - سنن ابن ماجه، حديث شماره - ۱۹۷۸ كتاب النكاح، باب: حسن معاشرت النساء

[ان من اكمل المؤمنين ايمانا احسنهم خلقا والطفهم باهله]^۱

ترجمه: از مسلمانان کسی ایمانش کاملتر است که اخلاقش بهتر باشد (مخصوصا) کسی که رفتارش با همسرش خوب و محبت آمیز باشد.

درسیره و روش زندگی رسول خدا ﷺ، ثابت است که ایشان به بهترین شیوه با همسران خود رفتار نموده و حتی در کارهای منزل با آنان کمک می نمودند.

[وعن الأسود بن يزيد قال: سألت عائشة رضي الله عنها: ما كان النبي صلى الله عليه وسلم يصنع في اهله؟ قالت: كان في مهنة أهله فإذا حضرت الصلاة، قام إلى الصلاة]^۲

ترجمه: و از اسود بن یزید روایت شده است که فرمود: از حضرت عایشه پرسیدم: پیامبر ﷺ، در منزل چکار می کرد؟ گفت: ایشان در خدمت اهل خانه مشغول بودند (یعنی کمک به آنها در انجام دادن کارهای خانه) و چون وقت نماز فرا می رسید، برای ادای آن از خانه خارج می شد. حتی رسول اکرم ﷺ، یک مقدار برخورد تند تر بی بی عایشه رضی الله عنه را تحمل می نمودند، در حدیث مبارک آمده است:

۱ - کنز العمال ۵۱۵۲ جلد سوم صفحه ۵ - كنز العمال في سنن الاقوال والافعال للمتقى

الهندي طبع اول ۱۴۱۹ هـ - ق ۱۹۹۸ م دار الكتب العلمية بيروت - لبنان

۲ - صحيح البخارى، حديث شماره - ۶۰۳۹ كتاب الادب، باب: كيف يكون الرجل في اهله

[عن عائشة رضی الله عنها قالت قال لی رسول الله ﷺ انی لاعلم اذا كنت عنی راضیة واذا كنت علی غضبی. قالت فقلت: من این تعرف ذلک؟ فقال: اما إذا كنت عنی راضیة فانک تقولین: لا ورب محمد! و إذا كنت علی غضبی قلت: لا ورب ابراهیم، قالت قلت: اجل والله یا رسول الله ما أهجر الا اسمک]^۱

ترجمه: روایت است که عایشه رضی الله عنها گفت رسول خدا ﷺ، به من گفت من می دانم که توجّه وقت ازمن خوشنودی وچه وقت ازمن خشمگینی. عایشه گفت: گفتم یا رسول الله! این را از چه می دانی؟ آن حضرت فرمود: آنگاه که ازمن خوشنودی می گویی به پروردگار محمد ﷺ (سوگند) و زمانی که برمن خشمگینی می گویی، نی به پروردگار ابراهیم (سوگند) گفتم: آری به خدا یا رسول الله (فقط درحالت خشم) اسم تو را یاد نمی کنم و(محبت تو را همچنان به دل دارم)

رفتار خوب و خوشخویی بازن تنها آن نیست که آزار خود را از وی بازدارد بلکه حسن خلق و نیکویی با زن آن است که متحمل رنج و آزار او گرددی و در برابر سبکسری و خشم او، حلم ورزیدن و شکیبائی نمودن است.^۲

۱ - صحیح البخاری، حدیث شماره - ۵۲۲۸ کتاب النکاح، باب: غیرة النساء ووجدهن وصحیح المسلم حدیث شماره - ۲۴۳۹ کتاب فضایل الصحابة، باب: فی فضل عائشة رضی الله تعالی عنها

۲ - دیدگاههای فقهی معاصر، جلد اول، صفحه ۶۰۱ تألیف دکتر یوسف قرضاوی، ترجمه احمد نعمتی، نشر احسان، نوبت چاپ، سال ۱۳۸۴

دوکتوریوسف قرضاوی به نقل از امام ابن قیم در بیان الگوی رفتاری پیامبر ﷺ، باهمسرانش می گوید: سیره آن حضرت باهمسرانش معاشرت نیکو و اخلاق نیک بود. دختران انصار را به خانه عایشه دعوت می نمود تا با او بازی کنند، هرگاه به چیزی تمایل می داشت که در آن محذوری نبود، آن حضرت تابع وی می شد، هرگاه عایشه رضی الله عنها از ظرفی آب می نوشید،

پیامبر ﷺ، ظرف آب را از اومی گرفت و دهانش را جای دهان او می نهاد و آب می نوشید، هرگاه عایشه رضی الله عنها، استخوانی را که گوشت روی آن بود، گاز می زد و می خورد، آن حضرت استخوان را از او می گرفت و دهانش را به جای دهان اومی گذاشت. گاه آن حضرت سر مبارکش را در آغوش عایشه می نهاد و قرآن می خواند.^۱

« عن أسماء بنت یزید قالت قال رسول الله ﷺ لا یحل الکذب الا فی ثلاث: کذب الرجل امرأته لیرضیها والکذب فی الحرب والکذب لیصلح بین الناس »^۲

ترجمه: از اسماء بنت یزید روایت است که نبی کریم ﷺ، فرموده اند: دروغ گفتن جز در سه مورد جایز نیست اینکه مردی برای خشنود کردن و رضایت همسرش دروغ گوید، دروغ گفتن در جنگ (به عنوان یک

۱ - دیدگاههای فقهی معاصر، جلد اول صفحه ۶۰۲

۲ - سنن الترمذی حدیث شماره ۱۹۳۹

استراتژی جنگی) و دروغی که به منظور ایجاد صلح و آشتی در میان مردم صورت گیرد.

ازین حدیث معلوم می گردد که دروغ گفتن اخلاق بسیار زشت و بدی است اما نه تنها برای به دست آوردن قلب زن جایز بلکه مستحسن است...^۱ واضح است که زنان درجنب ضرورت های مادی ازقبیل خوردن، نوشیدن، لباس، مسکن و سایر وسایل و تسهیلات زندگی، به سخنان گوارا، پیش آمد های با حرارت، تبسم های دل انگیز، نوازشهای عشق ورزانه، ابرازمحبت و روشهای مشحون از انس و الفت با بدرقه های ازشوخی های شفاف و بی آرایش بسیار زیاد نیازمند هستند و ازینکه درزنان مهر ورزی و عاطفه ریشه دارتر و عمیق تر است درجبهه مهر ورزی و سایه بانهای دوستی های تابناک بیشترجذب می شوند، روح و روان آنها آمادگی و انتظار برخورد های جالب دوستانه را دارد بهراندازه ای که درحدود مشروع موقف و طلبات زنان با مدارا و گذشت های دوستانه رعایت و از آزار رسانی ها به آنان اجتناب شود بهمان اندازه آنها خود را در سعادت می بینند و نشاط و فرحت و گشایش در جبین آنها افزایش و پیمایش خواهد یافت.

ازجمله سایرآداب معاشرتی این است که شوهردر پهلوی تحمل آزار به شوخی و ناز کشیدن و نوازش همسر نیز پردازد زیرا با این شیوه ها زنان خوش و راضی می شوند.

۱ - فضایل بانوان صفحه ۲۱ مؤلف مولینا نعیم الله حیدر، مترجم عبدالقیوم تاج، ناشر امام

محمد غزالی، سال چاپ ۱۳۹۵

معاشرت و رفتار خوب این است که مرد در رفتار با همسرش از بهترین کلمات و پسندیده ترین رویکردها استفاده کند و به هیچوجه با گفتار و رفتار خود او را مورد اذیت و آزار قرار ندهد و به کرامت و شخصیت و منزلت او بی احترامی ننماید و با خشم و خشونت با او برخورد نکند.^۱

تنبیه بدنی زنان

از خلال مباحث و محاورات و از لابلای محتویات روزنامه ها جراید، مجلات و فرآیند گفت و شنودهای معاصر جهانی، مسأله حقوق زنان به طرز چشمگیری پا در میان آورده و پیوسته دشمنان اسلام می کوشند در زیرچتر دفاع کاذب از زنان حربه های تازه پیدا نموده و در هر زمانی بطرز دیگری علیه اسلام و مسلمین بتازند.

به این سلسله موضوع تجویز تنبیه بدنی یا عنوان نمودن، زدن زنان را هم تخته خیزی علیه ارزشهای اسلامی قراردادده اند و تبلیغ مینمایند که اسلام در باب زنان تبعیض روا داشته و به مرد حق داده است تا زن را مورد ضرب قرار دهد، هدف این بد خواهان آن است تا بنیاد خانواده های اسلامی را فرو ریزند و کانونهای پاک و کاشانه های تابناک مردم مسلمان را مکدر، آشفته و آلوده بسازند و دید گاههای مسلمانان واقعی را برای کسب سعادت دنیوی و اخروی تخطئه نمایند، و ازین که لبه تیز تبلیغات معاندین، متوجه زنها است و دختران و زنان چون عناصر لطیف، خوش باور و عاطفی اند و بیشتر احساساتی و ظاهر بینانه

۱ - فقه خانواده در جهان معاصر، صفحه ۱۴۰

عمل می کنند اگر درین باب آگاهی لازم به آنها داده نشود احتمال است شکارپالیسی های مزورانه دشمن شوند. بناً ازبهرم ترین مسایل اجتماعی و حقوقی یکی همین است که کیفیت، حکمت، دورنمای به صلاح آوری و مرحله خاص بکارگیری جواز زدن و تنبیه بدنی را جمع به زنان تشریح و تبیین گردد. قرآن عظیم الشان ارشاد فرموده است:

{ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُزُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاصْرَبُوهُنَّ فَإِنِ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا }^۱

ترجمه: پس زنان صالحه آنانی هستند که فرمانبردار (اوامر خدا و مطیع دستور شوهران خود) بوده (و خویشتن را از زنا به دور و اموال شوهران را از تبذیر محفوظ) و آسرار (زناشوئی) را نگاه می دارند؛ چرا که خداوند به حفظ (آنها) دستور داده است. (زنان صالح چنین بودند ولیکن زنان ناصالح آنانی هستند که سرکش می باشند) و زنانی را که از سرکشی و سرپیچی ایشان بیم دارید، پند و اندرزشان دهید و (اگر مؤثر واقع نشد) از همبستری با آنان خود داری کنید و بستر خویش را جدا کنید (و با ایشان سخن نگوئید. و اگر باز هم مؤثر واقع نشد و راهی جز شدت عمل نبود) آنان را (تنبیه کنید و کتک مناسبی) بزنید. پس اگر از شما اطاعت کردند

۱ - سورة نساء، آیه ۳۴

(ترتیب تنبیه سه گانه را مراعات دارید و از اخفّ به اشدّ نروید و جزاین) راهی برای (تنبیه) ایشان نجوئید (و نیوئید و بدانید که) بیگمان خداوند بلند مرتبه و بزرگ است (و اگر ایشان را بیش از حدّ اذیت و آزار کنید، انتقام آنان را از شما می گیرد) در صورتیکه زن، سرکشی، نافرمانی و ناسازگاری نماید و مراحل تربیتی و تدابیر مقدماتی که وعظ، نصیحت و ترک همخوابگی است، مؤثر واقع نشود و راه و روزنه دیگری باقی نماند آنگاه اسلام برای شوهر مباح کرده که این سرکشی و نافرمانی را بازدن سبکی رفع نماید.

تفسیر فی ظلال القرآن، راجع به جزء آیه ۳۴ سوره نساء که میفرماید: {وَأَضْرِبُوهُنَّ} چنین نوشته است: جملگی معانی گذشته را در نظر گرفتن و هدف از این همه مقررات را پیش چشم داشتن مانع از آن می گردد که چنین زنی برای انتقام و دل خنک کردن باشد و کتک به قصد خوار داشتن و اهانت کردن انجام پذیرد و یا این که تنبیه برای این باشد که زن را وادار به زندگی ای کرد که از آن خوشنود نیست بلکه کتک زدن تنها برای ادب کردن است و باید ادب کننده همچون مربی دلسوزی با عطوفت و رأفت بدین امر دست یازد و همسان پدری رفتار کند که فرزندان خود را تنبیه می نماید و یا بسان آموزگاری که دانش آموزان خویش را ادب می کند. روشن است که هیچ یک از این مقررات در زمان صلح و ساز و در حالت سازش و اتفاق دوشریک بنیاد سترگ خانواده نباید انجام پذیرد بلکه چنین مقررات زمانی انجام می گیرد

که خطر فساد و شگاف در میان باشد و کج رفتاری و بد کرداری کانون خانواده را تهدید کند. بهر حال چنین مقرراتی به هنگام انحراف از راستای راه، قابل اجراء بوده و درمان درد کج اندیشی و کژ راهگی بشمار می آید.^۱

دو روش اول که تنبیهات شرافتمندانه هستند از انبیاء علیهم السلام و صلحاً رحمهم الله نسبت بزنان شفاها و عملاً اجازه ثابت است اما سزای سوم یعنی زدن اگرچه در صورت لزوم تا حدودی مجاز است اما با وجود این در حدیث است [ولن يضرب خياركم] یعنی مردان خوب زنان را نمی زنند چنانکه از انبیاء علیهم السلام هیچ جا منقول نیست که زنان را زده باشند.^۲

[ولن يضرب خياركم] نیکان شما اقدام به ضرب نمی نمایند.

معنی و مفهوم این عبارت این است، کسانی که زن خود را می زنند از زمره ی بدان و اراذل مردم اند و چه کسی می پذیرد که از گروه آنان به شمار آید؟^۳

۱ - تفسیر فی ظلال القرآن، جلد ۲ صفحه ۶۳

۲ - تفسیر معارف القرآن، جلد ۳ صفحه ۴۹۵ مؤلف مفتی محمد شفیع عثمانی، مترجم، محمد یوسف حسین پور، چاپ هفتم تابستان ۱۳۹۲ ناشر: شیخ الاسلام احمد جام

۳ - دیدگاههای فقهی معاصر، جلد سوم صفحه ۵۲

مردان نیک و وارسته زنان شان را نمی زنند بلکه با آنان با لطف و محبت و نرمی رفتار می کنند.^۱

به ترتیب وارشادیکه درآیه کریمه آمده است، شوهر به محض رؤیت سرکشی و نافرمانی همسر، ابتداً به زدن نمی کند، بلکه ازپند و نصیحت آغاز نموده و پیامد های اصرار برنشوز و طغیان را در جلو چشمان خانم به تصویر می کشد، اگر مرام حاصل و همسر به جاده اعتدال و اصلاح داخل شد چه بهتر، و اگر کماکان بر موضع تشدد و لجاجت پافشاری نمود گزینه دیگری برای شوهر ترک فراش و هجران ازبستر است زیرا بطور اغلب زنان، به زیبایی، جمال و تمکین خویش نازیده و غرور می کنند، لکن زمانیکه شوهر قسماً از وی دوری گزید، می شود این شیوه زن را از سرناسازگاری به انعطاف آورد و رأفت، صمیمیت و دوستی با حرارتِ اسبق باردیگر به کاشانه این شوهر و همسر راه گشاید و خوشبختی از ایشان استقبال کند مع هذا اگر این مرحله هم بی نتیجه ماند زمان سخن آخری و اصابت تدبیر نهائی که همانا ضرب ویژه با اوصاف مخصوص که از آن تعبیر به تنبیه بدنی می شود، به سر می رسد.

روانکاوان امروز معتقدند که جمعی از زنان، دارای حالتی به نام مازوشیسم (آزار طلبی) هستند که این حالت در آنها تشدید می شود تنها راه آرامش آنان تنبیه مختصر بدنی است بنابراین ممکن است ناظر

۱ - دیدگاههای فقهی معاصر، جلد سوم صفحه ۵۱

به چنین افرادی باشد که تنبیه خفیف بدنی در مورد آنان جنبه آرام بخشی دارد و یک نوع درمان روانی است.^۱

نص آیه که به زدن زن دلالت می کند {وَاصْرِبُوهُنَّ} به صورت مطلق آمده است یعنی کمترین چیزی که معنی ضرب و زدن را تحقق می بخشد و آنهم به گفته مفسران، زدن به منظور تأدیب و اصلاح پذیری است و زدن برای درست کردن رفتار و علاج ناسازگاری است و زدن به منظور اذیت و آزار و اضطراب نیست و درگفتار فقیهان، وسیله و آلت این زدن تأدیبی هم مشخص گردیده است، مانند چوب مسواک زدن دندان و امثال آن و اجتناب از زدن به صورت و چهره و مواضع ضرر و آسیب، و اگر از این زدن ضرری پدید آید مانند این که اثری برجای بگذارد شوهر ضامن آن است.^۲

اسلام زدن زن را بدان صورت که گفته شد آخرین وسیله ای قراردادده است برای اصلاح او، تا خانواده از هم نپاشد و آن هم زدن به قصد اذیت و آزار و خاموش کردن آتش خشم نیست، بدان اندازه که قصد و هدف از آن اعلان تأسف شوهر و عدم رضایت او از رفتار همسرش می باشد.^۳

۱ - تفسیر نمونه، جلد ۳ صفحه ۴۱۵ تألیف ناصر مکارم شیرازی ناشر دارالکتب الاسلامیه

چاپخانه سرور، نوبت چاپ بیست و ششم تهران بازار سلطانی

۲ - زن در اسلام و شبهاتی پیرامون آن، صفحه ۲۳۱ مؤلف مصطفی عبدالحی، مترجم، محمود ابراهیمی تهران - احسان ۱۳۹۴

۳ - زن در اسلام و شبهات پیرامون آن، صفحه ۲۳۰

متکی به این تحقیق اگر مرحله توصیه و دوری از بستر کارگر واقع نشد بعد از آن زدن هم بر همان اندازه که تأثیر آن تنبیهی باشد و صرف به زن معلوم شود که شوهر او از روش منتهی آنی اش ناخوش و متأسف است.

مطابق آراء و نظریات علما و دانشمندان اسلامی، نوع زدن را که اسلام برای شوهران مباح کرده جهت بهبود تربیت و تأدیب همسران و بگونه ای است که درد آور و آزار دهنده نباشد، یعنی استخوان زن را نشکند، اعضا را عیب دار و کریه نسازد، تأثیرات ناگوار صحنه نداشته باشد و باعث سیلان خون از بدن نشود و در ظواهر وجود و جلد چیزی پدید نیاید که بیانگر کتک زدن و نشانه لت و کوب باشد و ضمناً تنبیه بدنی یا زدن، توهین و خفتی را که با وقار و هیمنیت زن در منافات قرار دارد، به همراه نداشته باشد. هویدا و پیدا است که این زدن معیوب ساختن و دست و پاشکستن بر بنای عداوت نیست و مفهوم از آن صرف مصلحت و بهبود است.

در پرتو این بیانات می توان گفت که اگر زدن هدف مرکزی می بود دو گزینه دیگر را مقدم بر آن تنظیم نمی کرد و در همان آغاز امر به زدن می شد در حالیکه ابتدا وعظ و نصیحت و بعد ترک هم خوابی ذکر شده و اگر با این تدبیر دو مرحله ای کار حل شود ضرورتی بر زدن نیست و احتیاج به آن منتفی میشود و ردیف کردن نصیحت و ترک بستر و قرار گرفتن زدن در مرحله اخیر، این را می رساند که نفس زدن هدف نیست بلکه زدن برسبیل ناگزیری و آخرین تدبیر و منتهای مقرر بوده و چشم انداز بر آن

است که زدن و تنبیه بدنی براستدامه سعادت و خوشبختی فامیل، مفید و ممد واقع شود و ستاره سعادت خانواده افول نکند.

تفسیر انوار القرآن، در کیفیت ضرب مورد بحث، نظردیل را ارائه داشته است:

چنان زدنی که به قصد تأدیب و اصلاح شان باشد، نه زدنی سخت و گزنده و آزاردهنده، خاطرنشان می شود که سنت رسول اکرم ﷺ، این زدن را مقید به آن نموده است که با نرمی و ملایمت باشد، به طوری که به نقص عضوی در وی نینجامد و اثری از خود برجای نگذارد.^۱

در حدیث شریف نیز ضرب مذکور، غیر مبرح گفته شده است

[واضربوهن ضرباً غیر مبرح...]^۲

ترجمه: آنها را بزنید لکن باز دنی که شدید نباشد.

البته مطابق معانی ارائه شده در لغت نامه ها، مبرح به معنی سخت و شدید، شدت، جانگداز، مشقت آور رنج دهنده و اذیت و آزار رساننده گفته شده است.

به این اساس در صورتی که وضعیت با توصیه و هجران از بستر، حالت عادی را نیافت و مرحله ضرب فرا رسید ضرب باید غیر مبرح یعنی سخت و شدید و جانگداز، مشقت آور و رنج دهنده و توأم با شدت نباشد.

۱ - تفسیر انوار القرآن، جلد اول صفحه ۵۸۵ ترتیب و ترجمه، عبدالرؤف مخلص چاپ دوم سال

۱۳۸۳ هـ - ش ناشر: انتشارات شیخ الاسلام احمد جام

۲ - جامع الترمذی، حدیث شماره - ۱۱۶۳ کتاب الرضاع، باب: ماجاء فی حق المرأة

محدثین ضرب غیر مبرح را بدین تفسیر کرده اند که نباید شدید و دردآور باشد و زمانی چنین خواهد بود که خفیف و سبک و یا چیزی خفیف مانند مسواک و غیر آن باشد زیرا قصد و هدف از این زدن حمله و شکنجه و کتک کاری نیست بلکه مقصود از آن تأدیب و اصلاح اخلاق و منع وی از رفتار نامناسب و تربیت و توجیه و رهنمایی است و یک هشدار اخلاقی است.^۱

[لا تضربوا اماء الله]^۲

ترجمه : کنیزکان خدا را نزنید.

[عن عائشة رضی الله عنها قالت: ماضرب رسول الله ﷺ، خادما له ولا امرأة]^۳

ترجمه: از عایشه رضی الله عنه روایت شده که گفته است رسول کریم ﷺ، خادم خود را و هیچ کدام زنی را نزنده است.

[اطعموهن مما تأکلون واکسوهن مما تکسون ولا تضربوهن ولا تقبحون]^۴

ترجمه : زنان را طعام بدهید از آنچه خود بحیث طعام صرف مینمائید و لباس به آنها تهیه نمائید (به همان ارزش که) خود لباس می پوشید و زنها را نزنید و تقبیح شان هم ننمائید.

۱ - زن در اسلام و شبهات پیرامون آن صفحه ۲۳۱

۲ - سنن ابی داؤود، حدیث شماره - ۲۱۴۶ کتاب النکاح، باب: فی ضرب النساء و سنن ابن ماجه حدیث شماره - ۱۹۸۵ کتاب النکاح، باب: ضرب النساء

۳ - سنن ابن ماجه، حدیث شماره - ۱۹۸۴ کتاب النکاح، باب: ضرب النساء

۴ - سنن ابی داؤود، حدیث شماره - ۲۱۴۴ کتاب النکاح، باب فی حق المرأة علی زوجها

« وقال الشافعی الضرب مباح وترکه افضل »^۱

امام شافعی رحمه الله گفته است که ضرب و تنبیه بدنی مباح است، لکن ترک آن افضل است.

ضرور است تا مطلب دیگری را نیز درینجا منضم نمائیم و آن این است که مشهودا برخی ها بشکل بسیار عادی هم زنان و هم دیگران را باسیلی درصورت ها حواله می کنند یعنی در روی، می زنند و لکن در حدیث مبارک شدیدا این عمل مورد نهی قرار گرفته است.

[عن ابی هريرة رضی الله عنه قال قال رسول الله ﷺ اذا قاتل احدکم اخاه فليجنب الوجه]^۲

ترجمه: از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول خدا ﷺ فرمود: هرگاه یکی از شما با برادر دینی خود درگیرشد، باید از زدن به صورت وی خود داری کند.

[عن ابی هريرة عن النبی ﷺ قال اذا قاتل احدکم اخاه فليتنق الوجه]^۳

ترجمه: از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول خدا ﷺ فرمود: هرگاه یکی از شما با برادر دینی خود درگیرشد از صورتش اجتناب ورزد.

۱ - حسن الاسوة بما ثبت عن الله ورسوله فی النسوة، صفحه ۵۹ المكتبة التوفيقية القاهرة -

مصر

۲ - صحيح مسلم، حديث شماره - ۲۶۱۲ كتاب البر والصلة والآداب، باب: النهی عن ضرب الوجه

۳ - صحيح مسلم حديث شماره - ۲۶۱۲ كتاب البر والصلة والآداب، باب: النهی عن ضرب الوجه

[عن ابی هريرة رضى الله عنه قال قال رسول الله صلى الله وسلم، اذا قاتل احدكم
اخاه فلا يلطمن الوجه] ^۱

ترجمه: از ابوهريرة رضى الله عنه روايت است كه رسول خدا ﷺ فرمود :
هرگاه يکى از شما با برادرش جنگ ودعوا کرد نبايد به صورت او سيلی
زند.

[اذا قاتل احدكم اخاه فليجنب الوجه فان الله خلق آدم على صورته] ^۲
ترجمه :هرگاه يکى از شما با برادرش جنگ ودعوا کرد، بايد از زدن به
صورت او خود داری کند زيرا خداوند آدم را بر شکل و صورت خویش آفريده
است.

با اين همه سزاوار است تا گفته شود تنبيه ي که راجع به زنان زير بحث
است، مورد اعتراض واقع نمی شود زيرا مخصوص زنانی است که جایگاه،
کرامت ومنزلت خود را محافظت و مراعات نمی کنند، وتوجيه آن به همان
زنانی است که نسبت به شوهران جسور، متهور، بد زبان وبی شرم باشند
زنانيکه پشت پازدن به وظايف، تساهل و اهمال به مسئوليت ها را از حد
گذشتانده وبالجاجت وسرسختی ازحریم نظام خانوادگی فرا تر رفته
وآشکارا درمقام شوهرمعاندت می ورزند، نه شان و شوکت شوهر را درک
می کنند ونه احترام شخصیتی ومعاشرتی را حفظ می کنند، تاسرحدی که

۱ - صحيح مسلم، حديث شماره - ۲۶۱۲ كتاب البر والصلة والآداب، باب: النهی عن ضرب الوجه

۲ - صحيح مسلم، حديث شماره - ۲۶۱۲ كتاب البر والصلة والآداب، باب: النهی عن ضرب
الوجه

با توصیه و فرقت بالینی هم وضعیت عادی اعاده شده نتواند، غالباً زنان زیبا و صاحب جمال به حسن صورت خود می بالند و ممکن برسبیل ناز و کرشمه با جلوه های گوناگون خود را به شوهرارائه کنند و این طنازی ها و نازیدن ها لجام گسیخته شود و اسباب نشوز و اضطراب را در فامیل فراهم نماید به همین گونه گاه گاهی برخی زنان بر حسب و نسب و امکانت آبائی و یا ثروت پدری خویش فخر نموده و شوهر را دست کم می گیرند و برخی آنها بد معاشی و اسائت ادب را تا آنجا می رسانند که شوهر را از رسیدگی به خواهران و برادران و حتی از توجه به پدر و مادر او، می خواهند باز ندارند، تداوم این بینش های نابجا و نگرشهای غلط، منجر به تمرد و تگ محوری می شود در حالیکه زن هر قدر زیبا و مقبول است بایست هم آوا به صورت، سیرت خویش را نیز پالش کند و در پوشش سیرت خوب هیچگاهی شوهر را ناقرار و ناگزیر به پیمایش مراحل فوق نسازد.

نکورویا، چوآن روی نکو، خود را نکوگردان

که خوی نیک بخشد زیب دیگر، روی نیکو را^۱

بایست زن هم سطح موقعیت خانواده پدرش که نزدش عزیز، مهم و ارجمند است در خانه شوهر هم با حوصله مندی، کوشش به خرج دهد تا وقار خاندانی او آسیب پذیر نشود و همچنان والدین شوهر را به مانند

والدین خود، گرامی بدارد و بداند که حفظ ارزشهای دودمانی و نجابت پدری و زمینه نفوذ او در خانواده شوهرمرهون روشهای صمیمی و شایسته و برخورد مشروع با شوهر و وابستگان شوهر است.

یک خانم متعهد به اسلام بخوبی می داند که شورش در برابر شوهر، منافی با عزت اوست پس وقتی دعوی انبعاث از کانون خوب را دارد باید خوب باشد تا وضعیت عملی و جذبات اخلاقی اونماینده ازمزایا و سنجایی فامیلی اش نماید زیرا با شمارش خوبیها نمی توان خوب شد بلکه با خوب بودن آنها و انجام خوبیها می توان ارزنده گی و فرخندگی یافت.

اگر این همه بسط و تفصیل کاراً واقع نشده و نقش مراحل مذکور معطل قرار گرفت و اغماض و اصرار خانم ازجا نجنبید بی تردید که راهی جز ضرب مورد بحث باقی نخواهد ماند.

براستی اگر شوهر، خانم خود را بزند بمعنی کراهت و انتقام نیست آیا پدر فرزندان را نمی زند؟ آیا پدر با فرزندی که پاره ی تن وی است دشمن است و از وی کراهت دارد؟ طبیعی است که واقعیت امر چنین نیست، همه می دانند که پدر هیچ چیزی را بیش تر از فرزند خود دوست ندارد لکن در مقاطعی ممکن روی مصلحت، وی را عتاب نموده تنبیهی بر وجود فیزیکی اونماید و حتی سبب درد ضعیف و سبکی هم بروی شود لکن این زدنِ روان و ساده و درد سبک و خفیف، حفظ فرزند را از آلام بی حساب وسیله خواهد شد و هکذا مربی و معلم که شاگرد را تنبیه می نماید بدخواه او نیست بلکه آینده خوب و تجلی و درخشش بهتری را به او می خواهد.

گاهی انسان کسی را که دوست دارد با زدن های خفیفی که اینجاست همان نوع زدن درخور تحقیق است، میزند چون مصلحت و بهبود او را دوست دارد، وقایه او از ناسازی ها و رشد و تکامل او در بحبوحه ارزشها و خوبیها، برایش مهم است بناء پیوسته مرا قب اوست و اگر عدول او را از مسیر صلاح تشخیص دهد بلا درنگ تنبیهش مینماید و این هشداریه و گزینه یقینا به نفع او بوده و سیراوضاع نیز بگونه آمده که انجام مقصود بر مبنای ابقا ارزشهای خانواده از مدرک دیگری میسور نمی باشد، و غیر از این رهیافت و دلالت دیگری بر حصول مطلوب بدسترس نمی باشد.

واقعا مشروعیت تأدیب و تنبیه فوق جنبه اصلاحی و سازندگی دارد و به قصد اذیت و آزار تنظیم نشده و اطفالاً خشم و رسم استبداد نیست بلکه شبیه یک معالجه و درمان روانی بشکل ساده و نوع شوک بیدار کننده می باشد و به کیفیتی که گفته شد آخرین وسیله است تا همسر به حالت عادی و نورمل آید و بنیاد خانواده و بنای یک کانون مهمی که نخستین سنگ اساس یک جا معه است از جانرود و از فروپاشی و متلاشی شدن آن تا آخرین حد ممکن جلوگیری شود.

شواهد و تجارب زندگانی و سوابق انحرافات نشان داده که برخی اوقات نشوزات، از حد بیرون رفته و کج اندیشی ها مزمن و شدید می شود که بدون استعمال گزینه های جدی تروشدت عمل براه نه خواهد آمد و آن فقط استفاده از مجاز ضرب با در نظر داشت شرایط و خصوصیاتش در حالات ویژه است.

در صورتیکه وعظ و نصیحت، و تصورات بیمناک ازدوام انحراف و نشان دادن سوء مآل ازین باب، کار را بجائی نرساند و هجران از بستر و بی اعتنائی مؤقتی که جزء برنامه است هم به فروکش نمودن تمرد و تعدیل جریان نانجامد پس معلوم است که مسئله حاد شده و بدون استفاده از تجویز فوق، وضع، عادی شده نمی تواند.

بی تردید که تنبیه بدنی بمثابه بیدارسازی و عیارشدن و آمدن به تعادل نسبت به فرسایشی شدن جریان نشوز و برای جلوگیری از قد نمایی چهره طلاق، مفید، مناسب، موزون و ضامن عفت و عزت شوهر و همسر خواهد بود.

هویدا و اظهر است در هر سر زمین و قلمروی که نظام اسلامی تطبیق می شود مصئون ترین جاها و مناسب ترین امکنه برای زنان است اگر در زمین جای مناسب و آرام و بی آزاری برای زنان پیدا شود فقط سرزمینی خواهد بود که در آن اسلام به مفهوم واقعی آن تعریف و عمل می شود.

پیروان اسلام به هیچ مرد و زنی اذیت و آزار نمی رسانند زیرا کسانی که چنین نمایند مرتکب دروغ زشتی و گناه آشکار می گردند.

قرآن کریم فرموده است:

{ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغْيَرًا اِكْتَسَبُوا فَقَدْ اِخْتَلَوْا بُهْتَانًا وَاِنْهُمْ مُبِينًا }^۱

ترجمه : کسانی که مردان و زنان مؤمن را بدون این که کاری کرده باشند و گناهی داشته باشند آزار می‌رسانند، مرتکب دروغ زشتی و گناه آشکاری شده‌اند.

به این اساس ضرر رساندن هریکی از مسلمانان اعم از مرد و زن بدیگری و مجازات به شخصی بدون احکام اسلامی به هیچ وجه جایز نیست. در فرآیند موضوع باید یکبار دیگر توضیح داشت که تنبیه مجاز تحت بحث از نظر اسلام راجع به زنان یک از وجه ناگزیری و امر آخر مرحله ای بوده و در صورت انسداد سایر ابواب و حصوت‌دایر در چهارچوب شرح فوق به آن عمل می‌شود و فرجام آن به بهبود مرد و زن بوده و نسبت به اینکه کار از کنترل برآید و منجر به طلاق و فروپاشی خانواده شود و آنگاه فامیلها و حتی اقوام را در مصاف ستیز آورد، گزینه شده است.

بناء هر شخص، گروه، سازمان و نهادی که ضوابط و گزینه های اسلامی را نقد انگاشته و نقص تلقی نمایند یا غافل اند یا جاهل و یا دشمن.

خانواده و همسر

خانواده مدرسه ی انسانی و ضرورت اساسی برای پرورش نسل بشری، روند ادامه زندگی آرام، کمک به انتظام جامعه و یگانه بسترباقاً و ماندگاری نوع بشر است.

خانواده نخستین کانون زندگی بشری است نخستین کانون بدان خاطر که از اهمیت بسزای برخوردار است چرا که لانه ای پا به جهان نهادن کودکان و خانه ی رشد آنان است و پرورش و آموزش عنصر انسانی را در دست دارد، عنصری که از دیدگاه اسلام والاترین عناصرین جهان است.^۱

بدون تردید خانواده زیربنا و مصالح تشکیل دهنده ای ساختمان جامعه و امت اسلامی است که از مجموعه از افراد مرتبط با هم شکل می گیرد.^۲ کانون خانواده هسته اصلی و پیکره اساسی جامعه بوده و اولین جایگاه رشد ارزشهای اخلاقی است و درآغوش گرم آن است که برترین فضایل ایمانی و اخلاقی رشد و نمو می نمایند و نهال عشق و محبت و فداکاری و خیرخواهی شکوفا می گردد.

از جهت روانی و عاطفی مظاهر مودت و رحمت و عشق و احساس مسئولیت بهتر از هر نظام و سیستم دیگری در سایه سیستم خانواده رشد نموده و به

۱ - سیمای جامعه شناسی زنان درآئینه قرآن، صفحه ۱۱۰ مؤلف محمد احمدیان، ناشر،

نشر احسان، چاپ، چاپخانه مهارت نوبت چاپ اول ۹۴

۲ - فهرست موضوعی آیات قرآن، صفحه ۹۸۸ گرد آوری و ترتیب دکتر محمد مصطفی محمد،

ناشر خواجه عبد الله انصاری، چاپ دقت، نوبت چاپ اول ۱۳۸۹

بارمی نشیند و بارآمدن شخصیت انسانها در محیط خانواده بسیار بهتر انجام می گیرد.^۱

واضح است که خانواده بسیار با اهمیت است و این اهمیت بستگی به حسن روابط مرد و زن دارد یعنی اگر روابط زن و شوهر حسنه و لطیفانه باشد بهمان اندازه خانواده خوب بمیان می آید و هرگاه خانواده های خوب در جوار هم ایستادند جامعه خوب تشکیل می شود.

خانواده کانونی گرم و تجمعی کوچک است که پایه های معیشت و زندگی آرام و سالم را استوار می گرداند در انسان روح فرمانبرداری احساس مسئولیت، اثبات شخصیت، پیدا کردن فداکاری، صبر و تحمل، سخاوت و بخشندگی، امانت داری و همکاری سازنده را برای چیره شدن بر مشکلات زندگی به وجود می آورد و فضای پر از عشق، محبت، الفت آرامش، مؤانست، کیفیت حسن روابط، احساسات ارزنده، عواطف و شیرازه سلامت خواهی را در آستانه زندگی انسان فراهم نموده و ناهمگونیها، ناهنجاریها، ناسازگاریها غلظت و تشدد و خشونت و تاجر را از حوزه زندگی جواب مینماید.

خانواده بهترین و مطمئن ترین دبستان تربیتی کودکانی است که فردا، حفاظت و پاسداری از خاک و ملک و نوامیس را در قبضه میگیرند اگر فامیل های سالم ارزشها و اهمیات این مسایل را برای شان القأ کرده باشند به

۱ - نقش ارزشها و اخلاق در ارتباط با اقتصاد اسلامی، صفحه ۴۴۳-۴۴۴ مؤلف دوکتور یوسف قرضاوی، مترجم عبدالعزیز سلیمی، تهران، نشر احسان ۱۳۹۰

یقین که آنها نه به ارزشهای اسلامی و ملی بازی می کنند و نه بازی کردنها بالای شان تحمیل شده میتواند.

به هر سطحی که نظام تربیتی و تزکیوی و درون ساختاری ذهنی و تعلیمی اطفال در فامیل ها با ثقافت اسلامی، دقیق، سازمان یافته و تنظیم شده انجام یافته باشد بهمان اندازه ایشان عناصر خبیر، خدمتگار و مفید بار خواهند آمد و ایادی دشمن در تحریف و استخدام آنها ناکام خواهند شد. خانواده به حیث یک جامعه کوچک سامان و پشتیبان جامعه بزرگ انسانی است، زیرا از به هم آمدن و پیوستن خانواده هاست که جامعه ایجاد می شود، و متکی به این منطق شیرازه اجتماع، خانواده است و نقش فامیل در تکوین و تشکیل جامعه، کلیدی و اساسی می باشد.

بنأ به هر اندازه ای که خانواده مؤدب، مهذب، تعهد مند، با اراده و باتمکین و با نشاط و پویا باشد، بهمان اندازه جامعه ازین مزایا برخوردار و این ارزشها را در احتواء خواهد داشت.

موزون خواهد بود که درینجا نکته دیگری را نیز منضم نمائیم و آن اینکه انسان موجود اجتماعی است طبع او مدنی بوده و نیازمند زندگانی در میان هم نوعان خود می باشد و از آنجا که به تنهایی اسباب وزمینه های زندگی خویش را فراهم کرده نمی تواند به جامعه ضرورت دارد و ناگزیر است تا در اجتماع زندگی نماید.

هویدا است که جامعه از فامیلها تشکیل می شود و نظام ها و حکومت ها نیز از افرادی مایه و پایه می گیرد که در فامیل ها و خانواده ها پرورش و تربیه

می شوند لذا تربیه فامیلی و آثار نیکوی برگرفته از قلمرو فامیل تا سطوح عالیه و مقامات مشرف دولت تبلور خود را حفظ خواهد نمود.

با این وجود باید تصریح نمود که در به میان آمدن خانواده های خوب، مرد در یک طرف و خانم یا همسر در طرف دیگرش قرارداد و به هر اندازه ای که بتوانیم خانواده های خوب داشته باشیم جامعه خوب خواهیم داشت. پس روی این منظور شناخت حقوق، درک موقعیت ها و وظائف ها و نزاکتها میان شوهر و خانم در تأسیس و انتظام یک فامیل خوشبخت و از سلسله آن برای شکل دادن یک جامعه سیال و پویا بسیار حساس، سازنده و ارزنده می باشد.

بنا در ساختار و تکوین یک جامعه سالم و نظام مطلوب، خانواده ها من حیث سنگ بنا، نقش کلیدی دارند و در تهذیب و ثقافت خانواده ها ماهیت دینی و اخلاقی و همت شوهر و همسر، حساس و تعیین کننده می باشد.

بی اغراق که هر چه روی این پیوند بحث و تمرکز شود، دال بر اهمیت فضای سالم در میان خانواده و مبین ارزش آن است و درین راستا تأثیر زنان در فامیل و در روند تربیت فرزندان قابل ملاحظه و ستودنی است.

ذکر همسران در جنت

موضوع وجود همسر و حصول انس و اطمینان از وجود او واقعا در خور اهمیت است که حتی در جنت نیز راجع به موجودیت همسران در قرآن کریم ارشاد شده است.

درفرایند آنچه تحت عنوان زن به عنوان همسر اختصاراً گفته آمدیم باسلاست و جزالت مباحث مستدل ومبرهن گردید که مرد و زن درنظام خلقت همگام آفریده شده اند، زن‌ها از نوع مردها یعنی درسرشت ونهاد انسانی باهم شریک اند، خانم جفت شوهراست، زنان منبع آرامش یابی ومتمم و مکمل زندگی مردان می باشند، همسر نیک بهترین متاع دنیا و نشانهٔ سعادت شوهراست، وهمچنان زن نیکو کار و پاک سرشت به سطحی درخور تقدیراست که درپیشاپیش زندگی مرد بعد ازمرتب‌ت تقوی مفاد بخش و بهترین ظرفیت خوانده شده درحالی‌که تقوا یگانه معیار ومحک برتری و کمال دراسلام می‌باشد.

اختیارروش خوب راجع به زنان تا آنجا درمکتب اسلام امر و توصیه شده که انتخاب بهترین رفتار وکردارمشروع ومقبول فراخور طبیعت زن‌ها، میزان بهترین شدن درسطح جامعه اسلامی معرفی گردیده است.

درنکاح برای زن‌ها امتیازدردنظرگرفته شده که وضع مهراست، تأمین هزینه ومخارج معیشتی فامیل بدوش مرد نهاده شده وهربعدی ازابعاد زندگی زن وشوهرکه از نظراسلام تحت مطالعه قرار داده شود دراندکترین فرصت لحاظ شدن موقعیت طبیعی وفطری زنان چه دربستر خانواده وچه در دیگرعرصه های اجتماعی وهمچنان فراهمی تسهیلات وتخفیفات ویژه برای آنها متبارزمی شود.

این آموزه ها اگر با بصیرت وعقلانیت وباعدالت وانصاف بکار بسته شود، ظرافت مسایل ومزایای امور، راجع به تاکید اسلام برمحورحسن پیش

آمد درمقاطع مختلف حیات زن، برجسته میشود، پس دیگر واضح است که زن، زمانیکه از راه ازدواج اسلامی، همسر مرد شد، ذوب نمی شود، محو نمی گردد و دست و پابسته از یک خانه به خانه دیگر منتقل نمی شود، او ایزار و آله اشباع غرایز و نثار هوسهای بی افسار نمی شود، بلکه زندگی زن با همسر شدن تکامل نموده و طی یک انعقاد مشروع صفحه جدیدی به رخ زندگی اش گشوده می شود، بعد از این مسئولیت اش خطیر و ساحه کاری اش وسیع و پشتکار و تلاش هایش حساس تر گردیده و هر آن شخصیت، منزلت و هیمنت او ارتقاء می یابد، زیرا شوهرش من حیث همسر با او محبت و صمیمیت میورزد، فرزندان به عنوان مادر در برابرش تمکین و احترام مینمایند و زود است که اندیشه مربی بودن و گستره خدمت گزاری او از راه تقدیم فرزندان سالم به جامعه، سراسر قلمرو را زیر پوشش بگیرد و آهنگ پاسداری از وی در تار و پود نظام اجتماعی مسلمانان طنین انداز شود.

در حقیقت امر، زن و مرد دو جناح ترکیب دهنده خانواده بوده و حسن معاشرت فی مابین آنها مصالح و هیئات سازنده و پویا ساز خانواده ها است، اگر همه امکانات فراهم باشد، منزل عصری، وسایط مدرن، لوازم و اثاث لوکس، رژیم غذایی ستندرد، ثروت و سرمایه کافی در اختیار و تحقق آرمانها و بسر رسیدن هوسها هر آن ممکن باشد، لکن فضای خانواده در حرمان از حسن معاشرت واقع باشد درین خانه هیچ خیر و خوبی و مزیت و رونق راه نخواهد یافت و از آنجاکه فامیل ها

زیرمجموعه های تشکل اجتماع می باشند، وجود همچون فامیل های سرگشته و پریشان روحیه عمومی جامعه و شفافیت نظام را آشفته خواهد ساخت، زیرا فرزندی که در خانواده های محروم از محاسن معاشرتی نشو و نما کنند ممکن پیکرها و هیكل های به ظاهر زیبا و آمد و شدهای درشت و جستارهای پرطنطنه داشته باشند لکن ازخسونت و برخورد های زندی که در قلمرو خانه جریان داشته سخت متأثر بوده اند، هرچند وجود چنین عناصر بی روحیه و تربیت نیافته اسباب تعطل و عامل تأخر و انحطاط می شوند لکن جامعه ناگزیر است که ایشان را با پرداخت غرامت وضعیت بپذیرد و حتی الوسع در اصلاح و تربیت آنها بکوشد.

لهذا به حکم این منطق با صراحت هرچه تمام می توان گفت که معاشرت معروف و نیکو در خانه، درک حقوق و تحمل موقعیت همدیگر، رعایت وقار و حیثیت متقابل در حدود ارشادات و احکام اسلامی و عمل به محاسن اخلاقی میان زن و شوهر می تواند سازندگی اساسی و دریافت راهکارهای خوب و سعادت مند را بدنبال داشته باشد و هرچه تعامل زیبا و گیرا و روابط مأنوس و دلپذیر و اسالیب شفاف میان زن و شوهر عینی و عملی باشد، همین مزایا از روزه های رویکردهای فرزندان در جامعه نفوذ کرده و بزود ترین فرصت بازتاب های فرخنده و نشاط انگیزان در اجتماع فراگیر خواهد شد.

بخش سوم

منزلت دختران از نظر اسلام

سر آغاز حالت رقت بار و تراژدی انگیزی را که زنان قبل از ظهور اسلام تحمل می نمودند تحجر و قساوتی بود که علیه دختران اعمال می شد، در جاهلیت، تولد دختر را شگون بد گرفته و شانس سیاه می دانستند و با شنیدن اطلاعیۀ ولادت دختر، سراپای وجود شان را تکان و اضطراب فرا می گرفت و با دید مادی و بررسی منحنی، به دلیل این که دختران اسلحه را حمل کرده نمی توانند، شمشیربازی، تهور و غارت در توان آنها نیست آنها را در خور ارزش نمی دانستند.

مبتنی بر همین پندار نا بجا و غلط، هیچ نوع امتیاز به دختران معمول نبود و حتی از حق حیات نیز محروم بودند، لکن زمانیکه اسلام عزیز تجلی نمود همه اغلال و اصرار فرسایشی را که بردست و پای آنها سنگینی می نمود از میان برداشت و زندگی انسانی و حقوق مادی و معنوی شان را تثبیت و تقریر نمود.

واضح است که دشمنان اسلام پیوسته از هر حربه و زمینه می خواهند علیه دین و معتقدات مسلمین استفاده نمایند و درین مقطع زمان، گفتمان های از آزادی های بد تر از قید و لجام گسیختگی های شرم آور و

